

جنبش کارگری، نیرومندترین بخش جنبش توده‌ای

کانادادرای، انعکاس وسیعی درکشور یافت. بسیاری از کارگران کارخانه‌ها، بویژه در تهر، از ددمنشی حکومت باخبر شده و دریافته‌اند که حکومت برای خاموش کردن صدای کارگران از توسل آشکار و مستقیم به قهر ابایی ندارد.

جنبش آفرینی حکومت در کارخانه کانادادرای، تنها تأثیری که بخشید، تبدیل اعتصاب کارگران این کارخانه به یک رویداد مبارزاتی به یاد ماندنی بود. این جنبش و دیگر ددمنشی‌های مشابه آن، قادر نبوده نیستند جنبش کارگری را بقیه در صفحه ۸

اکنون یک سال از اعتصاب کارگران کارخانه کانادادرای (سازان) و سرکوب خونین آن توسط مزدوران مسلح حکومتی می‌گذرد. در روز سوم مرداد سال گذشته، حکومت چندین دسته از مزدوران مسلح خود را برای سرکوب کارگران کانادادرای که از روز ۲۸ نپه دست به اعتصاب زده بودند، گسیل داشت. آن‌ها برای متفرق ساختن کارگران که در محوله کارخانه اجتماع کرده بودند، ابتدا به تعدید و ارباب و گاز اشک‌آور متوسل شدند و سپس به سوی آنها آتش گشودند.

خبر سرکوب خونین اعتصاب کارگران

اکتریت

شوریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۱ تیر ۱۳۶۴ برابر ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۵

بها ۴۰ ریال - سال دوم - شماره ۶۶

تظاهرات ایرانیان و عراقی‌ها در هلند علیه جنگ

کمیونست عراق در هلند، رسیده بود، خوانده شد. در بخش پایانی قلمنامه ذکر شده بود: "ما اعتقاد راسخ داریم مبارزه خلیفه برای قطع فوری جنگ و از بین بردن کانونهای تشنج مهمترین وظیفه ملی ما و خدمت بزرگی برای صلح در جهان است"

علاوه بر نیروهای برتر از کهنه تظاهرات، احزاب و سازمانهای زیر نیز متن قلمنامه را امضا کرده اند:

- حزب کمونیست یونان
- حزب سوسیالیست نارتر، ترکیه
- سازمان کارگران ترک
- جامعه یونانیهای آمستردام
- انجمن مقاومت شینی
- مرکز فرهنگی ایتالیا (کارل لوی)
- کمیته همبستگی با "ترچک"
- علاوه بر این، حزب کمونیست هلند و حزب سیاسی رادیکال‌ها، بدین مناسبت، پیامی خطاب به راهپیمایان فرستادند که متن آن چنین است:

بقیه در صفحه ۲

به ابتکار فدائیان خلق، توده‌ای‌ها و نیز هواداران حزب کمونیست عراق در هلند تظاهراتی علیه جنگ ایران و عراق در شهر آمستردام انجام گرفت.

در این تظاهرات نزدیک به ۲۰۰ نفر شرکت کرده بودند. تظاهرکنندگان با حمل پلاکاردها و پوسترهای ضد جنگ، پس از عبور از چند خیابان در میدان مرکزی شهر گرد آمدند و با توزیع کارت‌هایی که در آن‌ها علیه ادامه جنگ خائسانسوز ایران و عراق و همچنین علیه بمباران شهرها اعتراض شده بود، به جمع‌آوری امضا از مردم پرداختند.

بسیاری از ساکنین آمستردام، در طول مسیر راهپیمایی و میدان شهر با راهپیمایان ابراز همبستگی نمودند. در پایان تظاهرات قلمنامه‌ای که به امضای فدائیان خلق ایران (اکتریت) - هلند، هواداران حزب توده ایران - هلند و هواداران حزب

میکیس تئودورا کیس

ضمن گرامیداشت یاد رفیق مؤذنی پور، خواستار قطع کشتار میهن پرستان ایران شد

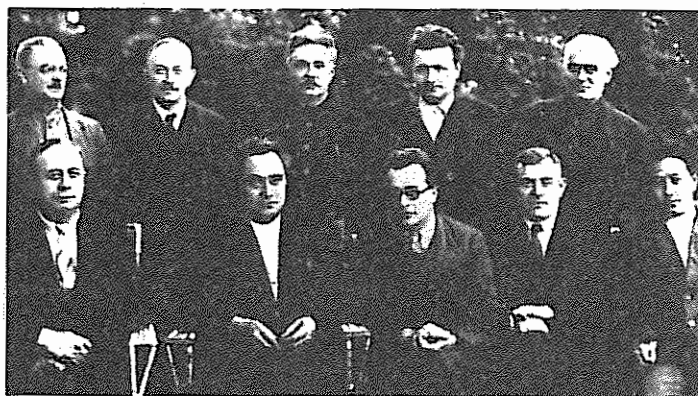
ترور و خفقان، شکنجه و اعدام استوار است "محکوم کرده و با اشاره به شهادت رفیق مؤذنی پور، عضو ستوار کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت) خواستار "پایان دادن فوری به دستگیریها، شکنجه و اعدام‌هایی که در مورد نیروهای میهن پرست ایران انجام می‌گیرد" شد.

بیانیه مزبور را علاوه بر میکس تئودورا کیس، تعدادی دیگر از شخصیت‌های برجسته سیاسی یونان امضا کرده‌اند که عبارتند از: کوستاس کایوس، نماینده حزب کمونیست یونان در مجلس این کشور، واکلوس آلاوانوس و واسیلی افرمیدیس اعضای فراکسیون کمونیست پارلمان بازار مشترک اروپا.

موج اعلام همبستگی گسترده با انقلابیون ایران و محکوم کردن رژیم کوبچک و ضد مردمی خمینی، در سراسر جهان ادامه دارد. احزاب و سازمانهای ترقیخواه و انقلابی و شخصیت‌های برجسته اجتماعی، ملی، بیانیه‌ها و موضعگیریهایی اعتراض و خشم خود را نسبت به دستگیری، شکنجه و کشتار فدائیان توده‌ایها و سایر انقلابیون ابراز داشته و خواهان پایان دادن به این جنایات می‌گردند. شهادت رفیق میکس، پورچم و مؤذنی پور در بسیاری کشورها به این ابراز انزجار گسترده از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ابعاد تازه‌ای بخشید. اخیراً در یونان، میکس تئودورا کیس آهنگساز و هنرمند برجسته، که عضو فراکسیون حزب کمونیست در مجلس این کشور نیز هست، طی یک بیانیه اعتراضی، حکومت خمینی را که "پایه‌هایش بر

حکم تخلیه و تخریب: پاسخ رژیم به خواسته ابتدایی پر خورداری از یک سرپناه

بقیه در صفحه ۶



اعضای دبیرخانه کمیته اجرایی، منتخب کنگره هفتم کمینترن، از چپ به راست، نشسته: آندره مارتی، کلورگی دیمیتروف، پالمیروتولیاتی، ویلهلم فلورین، وانگ هینک، ایستاده: ام. ا. موسکویس، ا. و. کوزینس، د. اس. مانولسکی، کلننت کوتوالد و ویلهلم پیک.

پنجاه سال از کنگره هفتم کمینترن گذشت

برقرار سازند. آنها کمونیست‌ها، سوسیال دمکرات‌ها و میهن پرستان بورژوا را تحت تعقیب و کشتار قرار داده و بسیاری از اینان را به اردوگاهها برده، سازمانهای آنها را متلاشی ساخته و حقوق و آزادیهای دمکراتیک را نابود کرده بودند. فاشیسم آلمان، با تلاش تجاوزکارانه برای تسلط بر جهان، منشا یک خطر جهانی شده بود و همانگونه که کلورگی دیمیتروف، کمونیست بلغاری، در نطق اصلی کنگره هفتم بیان داشت، نقش نیروی ضربه‌زننده ضد انقلاب بقیه در صفحه ۱

نام کنگره هفتم بین الملل کمونیستی (کمینترن)، که از ۲۵ ژوئیه تا ۲۰ اوت ۱۹۲۵ در سالن کاخ سندیکاها، اتحاد شوروی در مسکو برگزار شد، با تدوین سیاست موثر جنبش جهانی کمونیستی در مبارزه با ارتجاع امپریالیستی و جنگ و به خاطر صلح و ترقی اجتماعی، پیوند ننگاتیستی دارد. این کنگره، همانگونه که "پراودا" در آغاز آن نوشت، در شرایط پیچیده و حساسی "برگزار شد." در آلمان، ارتجاعی‌ترین نیروهای سرمایه‌داری موفقی شده بودند در ژوئیه ۱۹۲۲، دیکتاتوری فاشیستی را

رسا تریباد فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام!

گرمیداشت شهدای فدایی در هندوستان

افزوده است: "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) استوارانه برای وحدت همه نیروهای خلقی در "جبهه متحد خلق" مبارزه می‌کند. این جبهه، تنها آلترناتیو برای سرنگونی رژیم ضد مردمی خمینی است." روزنامه "دینی پرتاب" ارگان اردو زبان حزب کمونیست هند نیز در خبری که همراه با تصویر رفیق شهید حمید اشرف به چاپ رسیده، یاد شهدای فدایی را گرمی داشته است. در این خبر همچنین به شهادت رفیق قربانعلی مؤذنی پور اشاره شده است.

روزنامه "عصر جدید" ارگان مرکزی حزب کمونیست هند بمناسبت ۸ تیر روز شهدای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، یاد رفیق حمید اشرف و همزمانش و بیش از ۴۵۰ فدایی شهید را گرمی داشته و می‌نویسد: "امروزه فدائیان خلق عهد و پیمان می‌بندند تا ادامه دهنده راه فدائیان شهید باشند و به آرمانهای ملحقه کارگر برای دستیابی به صلح، ترقی و سوسیالیسم وفادار بمانند." این روزنامه در پایان

ارگان مرکزی حزب کمونیست هند:

مردم ایران سرنگونی رژیم خمینی را می‌خواهند

خسارات عظیم ناشی از ادامه جنگ، پافشاری سران رژیم جمهوری اسلامی بر ادامه کشتار، شدیداً محکوم شده است. در این بیانیه همچنین آمده است: "حرکات اعتراضی مردم علیه رژیم ضد مردمی و جنگ افروز خمینی در ماههای اخیر گسترش باز هم بیشتری یافته است... از وسیعترین تظاهرات می‌توان از تظاهرات مردم تهران و تظاهرات مردم اهواز نام برد."

"عصر جدید" ارگان مرکزی حزب کمونیست هند در مقاله‌ای پیرامون دور دوم جنگ شهرها و مبارزات مردم علیه جنگ با عنوان "مردم ایران سرنگونی رژیم خمینی را می‌خواهند" اقدام به درج بیانیه مطبوعاتی رفقای فدایی و توده‌ای در هندوستان در این مورد نموده است. در این بیانیه، با اشاره به تلفات و

دیدار رفیق هورست اشویت رهبر حزب سوسیالیست متحد

برلین غربی از غرفه "کار" و "نامه مردم"

فدایی و توده‌ای با جمع آوری اعضا علیه سیاستهای ضد مردمی رژیم خمینی در زمینه ادامه جنگ و بیگردد و کشتار میهن پرستان، توجه شرکت کنندگان در جشن راه پیکار فدایی‌ها و توده‌ای‌ها برای سرنگونی رژیم جلب کردند. در این جشن رفیق هورست اشویت رهبر حزب سوسیالیست متحد برلین غربی از غرفه مشترک بازدید نموده و به منظور کمک مالی به سازمان، تعدادی قبض کمک مالی خریداری نمود.

در روزهای ششم و هفتم ژوئیه، جشن مطبوعاتی "وارهایت"، ارگان حزب سوسیالیست متحد برلین غربی، برگزار شد و مورد استقبال دهها هزار تن از علاقه‌مندان قرار گرفت. در این جشن غرفه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران به محل ابراز همبستگی بازدید کنندگان، با مبارزه انقلابیون ایران علیه علیه ارتجاع حاکم تبدیل شد. رفقای



رفیق هورست اشویت در حاز خریدن قبض کمک مالی سازمان

گسترش کارزار همبستگی با زندانیان سیاسی ایران در هندوستان

و ابراز نگرانی نسبت به سرنوشت رفیق انوشیروان لطفی

شده است: "از سرنوشت زندانیان سرشناسی چون رحمان هاتفی (حیدر مهرگان)، تقی کی‌منش، ابوتراب باقرزاده و عبدالحسین آگامی از اعضای هیئت سیاسی و کادریهای حزب توده ایران و رفیق انوشیروان لطفی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و زندانی سیاسی سرشناس رژیم شاه از زمان دستگیری تا کنون کوچکترین اطلاعی به خانواده شان نداده‌اند." بیانیه همچنین به سرنوشت نامعلوم جمعی دیگر از مسئولین و فعالین سازمان ما اشاره دارد."

بریج موهان، مسئول کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در دلهی، با انتشار یک بیانیه مطبوعاتی خواهان گسترش کارزار همبستگی با انقلابیون در بند ایران گردید. وی در این بیانیه با اشاره به تشدید اقدامات سرکوبگرانه و جنایات رژیم خمینی در زندانها بعنوان واکنش نسبت به گسترش مبارزات مردم، شهادت، از اعمال ضد بشری و وحشیانه مزدوران جمهوری اسلامی علیه اسرای انقلابی را بر شمرده است. در این بیانیه سپس به محاکمات در بسته علیه رفقای توده‌ای و فدایی اشاره شده و افزوده

دبیرکل حزب کمونیست هند (مارکسیست):

جان زندانیان توده‌ای را نجات دهید!

آحق انتخاب وکیل مدافع از خارج باید تضمین شود. امضا کنندگان بیانیه افزوده‌اند: "ما معتقدیم رد چنین شرایطی دلیل واضحی بر بی‌اساس و فرمایشی بودن دادگاههاست."

اسامی امضا کنندگان به شرح زیر است: - ای. ام. اس نامبوردی پاد دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)

جمعی از اعضای پارلمان هندوستان که عبارتند از: - آجیت کومار ساها - موتی لال هاورا - هاجوبان رایان - یاسورب آچاریا - سیف الدین چودری - زین العابدین - آنیل باسو - آمل داتا - جیوس دیکتی - آناندپاتک - سورش کوروب - سودهیر روی - پیورناشاند همالک

با این اعلام، ریشهری جلاذ، رئیس ساواک خمینی، که محاکمه اکثر اعضا و رهبران حزب توده ایران به پایان رسیده، نگرانی شدید محافل اجتماعی در کشورهای گوناگون از بابت خطری که جان زندانیان توده‌ای را تهدید می‌کند، افزایش یافت. احزاب و سازمانها و شخصیت‌های بشردوست و ترقیخواه، از سراسر جهان بار دیگر خواستار رساتر شدن صدای اعتراض علیه جنایات رژیم خمینی و دستبند زدن به دستان درخیمان او شدند. از جمله، اخیراً رفیق ای. ام. اس نامبوردی پاد دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) به اتفاق یازده تن از اعضای فراکسیون این حزب در پارلمان هند و یک نماینده پارلمان از حزب سوسیالیست انقلابی، بیانیه‌ای انتشار داده و در آن، ضمن ابراز نگرانی از وضع زندانیان توده‌ای، خواسته‌اند که:

۱- سلامت جسمانی و روحی زندانیان سیاسی باید توسط یک هیئت بیطرف از پزشکان خارجی تایید، و امکان حضور آنان در دادگاه داده شود.

افشای گروه مزدوران رژیم به سرکردگی "بشارتی"، در هند

سازمان ما و حزب توده ایران مشترکاً در ۶ منطقه دلهی نمایشگاه عکس برپا نمودند. در محل این نمایشگاهها، چندین هزار اعلامیه در باره جنگ ایران و عراق و پافشاری رژیم خمینی در ادامه آن، به زبان هندی بین مردم پخش گردید. این نمایشگاهها مورد استقبال گروه کثیری از مردم شهر دلهی قرار گرفت.

با آغاز دور دوم بیمارانهی مناطق مسکونی از طرف دو رژیم ارتجاعی و ضد مردمی ایران و عراق، برای افشای دو رژیم و آگاهی افکار عمومی از فجایع جنگ، و نیز افشای گروه مزدوران اعزامی رژیم جمهوری اسلامی به سرپرستی "بشارتی" که اخیراً به دلهی رفته بودند، هواداران

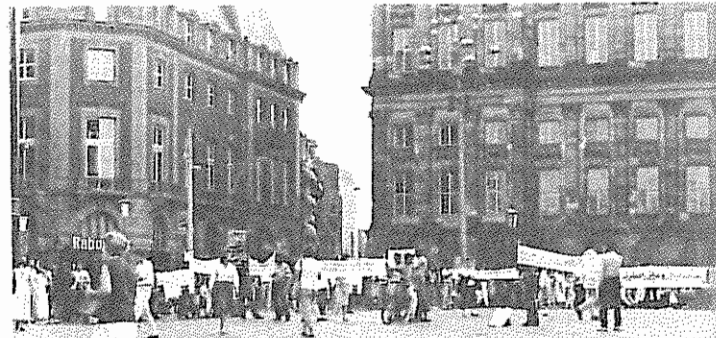
تظاهرات ایرانیان و عراقی ها در هلند علیه جنگ

بقیه از صفحه اول

گرایش به برافروختن شعله های جنگ و تشدید بحران دارند و از این جنگ سود می برند، متوقف سازد.

هدف ما فقط رژیم های سرکوبگر ایران و عراق نیستند بلکه همچنین سایر دولت ها و شرکت هایی هستند که از این جنگ سود می برند. ما در آینده نزدیک می خواهیم شمارا در ایجاد یک

دوستان و تظاهر کنندگان عزیز! به نظر ما خیلی مهم است که حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) و حزب کمونیست عراق مشترکا ابتکار سازماندهی این تظاهرات را علیه



ائتلاف گسترده و وسیع علیه تمام کسانی که در این جنگ سهم اند، یاری دهیم. ما همچنین می خواهیم در راستای ایجاد جنبش ضد جنگ سهم موثرتری داشته باشیم و شمارا بیشتر یاری کنیم. خاتمه این جنگ اوایل شرط برای احیای دموکراسی و حقوق بشر در ایران و عراق است.

آمنتردام ۲۸/ژوئن ۱۹۸۵
کمیته ایالتی حزب سیاسی رادیکال ما (آمنتردام) - کمیته ایالتی حزب کمونیست هلند (آمنتردام)

جنگ ایران و عراق بر عهده گرفته اند. به نفع هر دو خلق است که این جنگ بپوشد و بی آینده هر چه زودتر خاتمه داده شود. بمباران کردن آشکار شهرهای بی دفاع گویاترین برهان گفته بالاست. ما همچنین معتقدیم که آکسیون مشترک علیه جنگ می تواند شالوده ای باشد برای متحد کردن هر چه بیشتر نیروهای ضد جنگ در هلند. فقط یک جبهه وسیع سیاسی در هلند و سایر کشورهای جهان می تواند دارای چنان نیرویی باشد که آنها را که

فدائیان خلق در جشن حزب کمونیست اسپانیا

توانستند از طریق پخش نشریات بزبان اسپانیایی و انگلیسی و تعدادی بی شمار تراکت و اعلامیه و پوستر تصویری جامع از اوضاع امروزی ایران و موقعیت نیروهای انقلابی عرضه دارند. غرفه آنان در عین حال نمایشگاهی از صنایع دستی ایران و آثاری از فرهنگ و ادب و هنر و موسیقی ایران بود که مورد تحسین تمامی بازدید کنندگان قرار گرفت.

در جشن نشریه "موندو دبررو" ارگان مرکزی حزب کمونیست اسپانیا که در روزهای ۲۸، ۲۹، ۳۰ ماه ژوئن در مادرید برگزار گردید فدائیان خلق ایران (اکثرت) - اسپانیا و هواداران حزب توده ایران غرفه مشترکی بر پا کردند که محل ابراز پر شورترین احساسات همبستگی با خلقهای ایران و گردانهای پیشاهنگ البته کارگر آن در مبارزه شکومندشان علیه رژیم جنایتکار خمینی و امپریالیسم آمریکا گردید. در طول سه روز جشن دهها هزار نفر از مردم صلح دوست اسپانیا و همچنین میهمانان خارجی از غرفه ایران بازدید کردند همگی آنها ضمن تاکید بر ضرورت جنگ جنایتکارانه ایران و عراق برای نیروهای انقلابی ایران در مبارزه شان بخاطر سرنگونی جمهوری اسلامی آرزوی موفقیت کردند.

در این جشن فدائیان خلق در اسپانیا و هواداران حزب توده ایران

بازتاب بیانیه مشترک در مطبوعات هندوستان

مطبوعات مترقی هندوستان اخیرا به درج بخشهایی از بیانیه مشترک کمیته مرکزی سازمان ماو کمینه مرکزی حزب توده ایران اقدام کرده و آن را سند مهمی قلمداد نمودند. از جمله "عصر جدید" ارگان مرکزی حزب کمونیست هند در شماره ۱۶ ژوئن خود خبر انتشار بیانیه مشترک را به چاپ رسانده و می نویسد: "بیانیه مشترک صادره از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) مهم ترین و فوری ترین ولیفهم مردم زحمتکش و میهن پرستان ایران را مبارزه در راه سرنگونی رژیم استبدادی و قرون وسطایی ایران دانسته است." در ادامه این خبر، مهمترین بخشهای بیانیه مشترک آمده است.

همچنین هفته نامه "حقیقت" ارگان اردو زبان حزب کمونیست هند نیز خبر انتشار بیانیه مشترک را همراه با بخشهایی از آن به چاپ رسانده است.

هفته نامه "دمکراسی خلق" ارگان انگلیسی زبان حزب کمونیست هند (مارکسیست) طی مقاله ای به انتشار بیانیه مشترک اشاره کرده و می نویسد: "در این سند مهم، روند تحولات در سالهای اخیر به همراه بررسی دقیقی از امکان تحولات اساسی در ایران آمده است. در این سند، وقایع پس از تحولات و عملکرد رژیم جمهوری اسلامی در زمینه های مختلف بررسی شده است." این هفته نامه نیز مهمترین بخشهای بیانیه مشترک را درج نموده است.

عکس غرفه مشترک سازمان و حزب در جشن حزب کمونیست اسپانیا



درباره جشنواره جهانی

جوانان و دانشجویان در مسکو

*کوئیس د کاروالهو: نماینده ملی تدارک دوازدهمین جشنواره از برتغال:

"کمیته ملی تدارک دوازدهمین جشنواره جوانان و دانشجویان متشکل از ۵۲ سازمان توده ای جوانان در برتغال است. این ۵۲ سازمان گوناگون - جوانان، دانشجویی، سندیکایی، هنری، و ورزشی طیف وسیعی از جوانان کشور مارا در بر می گیرند و دارای نثرات سیاسی و ایدئولوژیک متنوعی هستند. آکسیون ها و برنامه هایی که در چارچوب کارزار تدارک دوازدهمین جشنواره برگزار میشوند با فعالیت ها و حرکات جنبش صلح برتغال مامانسی سیاسی و سازمانی دارند، شعارهای جنبش صلح علیه استقرار موشک های هسته ای در خاک کشورمان و استفاده بیجان ناتو از خاک برتغال برای رسیدن به مقاصد تجاوزکارانه نظامی را تبلیغ می کنند. بخش بزرگی از مراسم سیاسی به مناسبت چهلمین سالگرد سرکوب فاشیسم در کشور ما توسط کمیته تدارک دوازدهمین جشنواره سازماندهی و برگزار شدند."

*ریشارد کوب (عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست سوئیس و دبیر کمیته ملی تدارک دوازدهمین جشنواره از سوئیس):

"ما از اواخر سال ۱۹۸۴ آکسیون های مشخصی را برای تدارک دوازدهمین جشنواره برنامه ریزی و اجرا کردیم. این آکسیون ها عبارت بوده اند از چندین جشن و جشنواره منطقه ای، کنفرانس های مطبوعاتی جهت جلب افکار عمومی مردم سوئیس به برگزاری جشنواره در ژوئیه ۱۹۸۵ و انتشار مجله ای که مرتبا آخرین اخبار و گزارش ها را درباره فعالیت کمیسیون دائمی کمیته بین المللی تدارک و تدارک جشنواره در چهار گوشه جهان به اطلاع جوانان و علاقمندان سوئیس می رساند. نمایندگان کمیته سوئیس تدارک جشنواره برای آشنا شدن با شرایط کار و فعالیت جوانان شرکت کننده در دوازدهمین جشنواره سفرهای متعددی به جمهوری دمکراتیک آلمان، فرانسه، اتحاد شوروی، جمهوری فدرال آلمان، برلین غربی، ... انجام داده اند."

عملیات نفوذی در شمال عراق

در هفته گذشته بیشترین سر و صدای جنگی جمهوری اسلامی حول عملیات نفوذی در شمال عراق، دور می‌زد.

بنابر اطلاعات ستاد مشترک ارتش و سپاه جمهوری اسلامی این عملیات در شب دوشنبه ۲۴ تیر در شمالی‌ترین نقطه عراق به مرحله اجرا درآمد. جمهوری اسلامی مدعی شد که در جریان این عملیات ۲۰ کیلومتر در خاک عراق پیشروی صورت گرفته و ۵۰۰ سرباز عراقی کشته و زخمی شده‌اند.

عراق این عملیات را ناموفق اعلام کرد و به نوبه خود مدعی شد که در جریان دفع آن بیش از ۹۵۰ سرباز ایرانی را مقتول و مجروح ساخته است.

خمینی خطاب به روحانیون : مواظب ظاهر تان باشید !

در پی پنجمین جلسه از سومین اجلاس سالانه مجلس خبرگان، اعضای این مجلس در روز سه‌شنبه ۲۵ تیر با روح الله خمینی در جماران ملاقات کردند. در این ملاقات خمینی آخوندهای دارای مسئولیت و منزلت در جمهوری اسلامی را مورد خطاب قرار داد و از آنها خواست که مواظب ظاهر خود باشند. وی به آنها گفت: «شما باید خیلی مواظب باشید، همه دنبال این هستند که چیزی را خصوصاً از اهل علم پیدا کنند و در همه جا مطرح سازند.»

خمینی در این سخنرانی توجه اصلی خود را معطوف به تعداد اتوموبیل‌های روحانیون حاکم کرد. وی از روحانیون خواست برای حفظ ظاهر، به جز «یک دسته‌ای که در معرض خطر هستند» بقیه با چند اتوموبیل در خیابانها حرکت نکنند. خمینی از جمله به امام جمعه‌ها تذکر داد که «وقتی به خیابان می‌آیید، نباید خیابان را زلزلت کنید و میاموراه بیندازید.»

خمینی در همین سخنرانی از روحانیون خواست احتمال سقوط سرنوشتی رژیم اسلامی را جدیتر در نظر بگیرند. وی در این مورد گفت: «شما باید به گونه‌ای زندگی کنید، که چنانچه آنها را ماکرقتند، حسرت نخورید.»

تغییر موادی از قانون اساسی

مدتهاست که زمره تغییر بخشهایی از قانون اساسی جمهوری اسلامی به گوش می‌رسد. در هفته گذشته مشخص شد که خمینی خود با ایجاد تغییر در قانون اساسی رژیم موافق است. این موضوع در ملاقات روز سه‌شنبه هفته گذشته خمینی با رئیس و اعضای مجلس خبرگان مورد گفتگو قرار گرفت. جزئیات بحث در این مورد انتشار بیرونی نیافته است.

در بیانیه‌ای که پس از پایان اجلاس اخیر مجلس خبرگان انتشار یافت، بر روی موافقت خمینی با ایجاد تغییر در قانون اساسی جمهوری اسلامی، تأکید شده است.

تغییر در روشهای حفاظتی مقامات جمهوری اسلامی

به دنبال تذکرات خمینی به روحانیون در روز سه‌شنبه هفته گذشته، در این مورد که باید به گونه‌ای در انظار ظاهر شوند که توی چشم مردم نزنند، رئیس جمهور حجت الاسلام خامنه‌ای طی نامه‌ای، از حجت الاسلام نایق نوری وزیر کشور خواست که روشهای حفاظتی مقامات و مسئولین حکومتی تغییر یابد. تذکرات خمینی، متوجه مقامات درجه اول جمهوری اسلامی نبود، بنابر این آنها کماکان با چندین اتوموبیل ضد کلوله و اسکورت‌های متعدد از خیابانها عبور خواهند کرد.

سرپرست جدید اداره امور حج

خمینی در ملاقات خود با اعضای مجلس خبرگان، حجت الاسلام کسروی را به عنوان سرپرست موقت اداره امور حج معرفی کرد. کسروی جانشین حجت الاسلام خوئینی‌ها می‌شود که اخیراً به مقام دادستان کل کشور منصب شد. خمینی در هنگام معرفی کسروی تأکید کرد که موضوع تغییر سیاست جمهوری اسلامی در زمینه حج، شایعه است و تغییر ست سرپرست سابق اداره امور حج، به معنی ایجاد تغییری در این سیاست نیست.

استرداد کشتی توقیف شده کویتی

در روز جمعه ۲۱ تیر، کشتی کویتی "المحراق" که سه هفته پیش از آن سوی جمهوری اسلامی توقیف شده بود، آزاد شد. جمهوری اسلامی به این بیانیه که این کشتی حاوی محموله‌هایی برای رژیم عراق بوده است، آخراً توقیف کرده بود. مشخصات این محموله‌ها که در بندرعباس تخلیه شد، اعلام نگردید، اما عنوان شد مستقیم و غیر مستقیم به کار جنگ می‌آمده‌اند.

کویت در این مورد به سازمان ملل شکایت کرده و این اقدام رژیم ایران را نقض قوانین بین‌المللی اعلام کرده بود. جمهوری اسلامی مدعی شده که توقیف این کشتی در انطباق با قوانین بین‌المللی صورت گرفته است.

مذاکرات وزیر خارجه ژاپن در مورد جنگ ایران و عراق

وزیر خارجه ژاپن در سفر خود به اردن با وزیر خارجه این کشور و وزیر خارجه عراق که وی نیز به امان سفر کرده بود دیدار و مذاکره داشت. مهمترین موضوع این مذاکرات، جنگ ایران و عراق بوده است. سه وزیر خارجه در این مورد، نشست مشترکی نیز داشته‌اند.

وزیر خارجه ژاپن در سفر هفته گذشته خود به سوریه نیز با رئیس جمهور و وزیر خارجه این کشور در مورد جنگ ایران و عراق تبادل نظر کرده است. سفر وزیر خارجه ژاپن به خاور میانه در هفته بعد از سفر رفسنجانی و هیئت همراه او به توکیو،

صورت می‌گیرد. در جریان این سفر مقامات ژاپنی از طریق ارائه پیشنهاداتی به رفسنجانی نشان دادند که مایلند در گفتگوهای پیرامون سرنوشته جنگ ایران و عراق نقش ویژه‌ای ایفا نمایند.

امتیازات اعطایی رفسنجانی به ژاپن

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از توکیو، روزنامه "یومیوری شیمون" در شماره روز ۱۲ ژوئیه خود از قول منابع دولتی ژاپن نوشته است که رفسنجانی از ژاپن خواسته در ازای دریافت نفت ۷ پروژها در زمین سدسازی، ساختمان تاسیسات بندری، فولاد، طرح یک راه آبی، تولید برق، شیلات، آبیاری و کشاورزی می‌باشند.

جمهوری اسلامی از اعلام کم و کیف قراردادها می‌خواهد با ژاپن خودداری کرده است.

ثبت نام کاندیداهای ریاست جمهوری

مدیر کل اداره انتخابات وزارت کشور در روز شنبه ۲۹ تیر اعلام کرد که تا بعد از ظهر این روز ۱۷ نفر خود را کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری کرده‌اند. وی اسامی این عده را اعلام نکرد.

ثبت نام کاندیداهای در روز ۲۶ تیر ماه آغاز شده است. انتخابات در روز ۲۵ مرداد انجام خواهد پذیرفت.

رئیس جمهور حجت الاسلام خامنه‌ای در نماز جمعه هفته گذشته دستور داد که مردم در داخل و خارج کشور باید به شکل گسترده‌ای در انتخابات شرکت داشته باشند. در روز شنبه گذشته رسماً کاندیداتوری خود وی برای انتخابات رئیس جمهوری اعلام شد.

اجلاس آ.ر.سی. دی. در آنکارا

اولین دور از دومین اجلاس شورای عالی "آ.ر.سی.دی." که اکنون "سازمان همکاری اقتصادی" (اکو) نامیده می‌شود، با شرکت اعضای مربوطه از جمهوری اسلامی ایران، جمهوری اسلامی پاکستان و ترکیه روز شنبه ۲۲ تیر، به ریاست قائم مقام وزارت خارجه ترکیه، در آنکارا افتتاح شد. در این جلسه که تا روز دوشنبه ۲۴ تیر ادامه داشت، پیرامون تصویب بودجه سال ۱۹۸۶-۱۹۸۵ سازمان همکاری اقتصادی، و در مورد ادامه و برنامه‌های مشترک در سال جاری تصمیم گیری شد.

دعوت از ژنرال اورن برای سفر به ایران

حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور، از ژنرال اورن دیکناتور ترکیه دعوت کرده است که از ایران بازدید کند.

دعوتنامه بازدید اورن از ایران، به توسعه کازم بور اردبیلی معاون وزارت امور خارجه که برای شرکت در اجلاس "آ.ر.سی.دی." به ترکیه سفر کرده بود، برای رئیس خونتای نظامی ترکیه فرستاده شده است.

نطق پیش از دستور

حتما تا کنون نطق ما، پیش از دستور نمایندگان مجلس شورای اسلامی را از رادیو شنیده و یا در روزنامه‌ها خوانده‌اید و میدانید که وکلای مجلس چه مهماتی را تعوییل یکدیگر می‌دهند. این سخنرانی‌ها نمونه جامعی از برگویی و باره بافی آخوندی در اختلا با خود بزرگ بینی، کنده کویی و حرفهای صد تایک غاز مختص ولتمردان جمهوری اسلامی است. ما در زیر بی آنکه غلو کرده باشیم التئوی ثابت بین سخنرانی‌ها را برایتان بازنویسی می‌کنیم و بی مبالغه می‌گوئیم که ۹۵ درصد نطقهای پیش از دستور بر اساس این الگو، تنظیم می‌شوند:

و مستضعفان جهان که همه چشم امیدتان به ماست و جمهوری اسلامی به یک التوت تبدیل شده است و شرق و غرب عالم همه از ما مثل موش می‌ترسند و همینجاست که من می‌گویم از پشت همین تریبون که درود برفقیه عالی‌قدر و رزمندگان اسلام و سلام بر شهیدان.

اما در باره حوزه انتخابیه ام یک کلام بنویسم مشکلات کثیره و عدیده و بحدالله قلیله اند. فقر و فاقه بیداد می‌کند، دشمنان در کمین نشسته‌اند، زرمه‌های مشکوک‌ای پیچیده است، مشکل زیاد دارد، آب نداریم، برق ندارد، مردم بدنه شب هم محتاجند، در سرتاسر منطقه یک دکتر هم پیدا نمی‌شویم اما به بین رهبریهای قائل عظیم‌الشان امام خمینی همه داوطلب رفتن به جبهه هستند و جو منطقه خیلی خطرناک شده است و هیچ مشکلی نداریم، مسئولان چشم دیدن همدیگر را ندارند اما بحدالله به گفته رئیس جمهور عزیزمان همه وحدت کلمه خودمان را حفظ می‌کنیم و به خود کفایی می‌رسیم و بحدالله چشم همه مستضعفان جهان به ماست و از ما سرمشق می‌گیرند و غیر از این مشکل فقط یک مشکل داریم امت شهید پرور حوزه انتخابیه ما خواهان مبارزه قاطع تا سرتوئی صدام و بازاریان محترم ما خواهان مبارزه با احتکار و استکبار جهانی هستیم و امت جزب‌الله ما آن یک مشکلمان مبارزه با بی‌حجابی و بدحجابی است و ما از برادران ارجمند سیاه می‌خواهیم بر تعداد گذشته‌های امر به معروف و نهی از منکر برای مبارزه با توله استکبار جهانی یعنی بدحجابی و بی‌حجابی و نیمه‌حجابی هستیم و برادران پاسدار اقدام کنند و کرده حوزه انتخابیه این جانب از دست می‌رود و همین جاست که امام خمینی می‌فرمایند ای کاش من هم یک پاسدار بودم امام خمینی و با درود به امت شهید پرور و مردم همیشه در صحنه و باسلام به رزمندگان اسلام درود بر شهیدان تا نابودی استکبار جهانی و امید امت و امام

با درود به امام امت و امت شهید پرور و با تبریک و تسلیت به فدای اسلام از قایل تابیش از مفتاد دونفر و اندی و از بقیه مفتاد و دوتر شهیدایی که در حمله نهایی فردا شهید خواهند شد و با سلام به رزمندگان سلام که فقط منتظرند امام اشاره‌ای کنند و آنها تا بعد از پیش‌تاخته و سپس تاسر عالم را زیر بیرق جمهوری اسلامی در آورند و مجددا با درود به امت حزب الله شهید پرور همیشه در صحنه که می‌گویند که اگر این جنگ بیست سال هم طول بکشد، آنها باز می‌گویند اگر بیست سال دیگر هم بکشد باز می‌گویند حاضرند بیست سال دیگر هم طول بکشد امام خمینی و باسلام به رزمندگان پشت جبهه خاصه تجار محترم که آنها هم می‌گویند اگر این جنگ بیست سال هم طول بکشد ما توانان تمدید آن به مدت صد سال بیشتر هستیم و می‌گوئیم اما، اما، صابیت میکنیم و باز هم با درود به امام امت رهبر مستضعفین جهان و با تبریک و تسلیت به مستضعفین جهان که چشم امیدشان به جماران است و این جمهوری اسلامی در هم کوبنده همه استکبران است و مستضعفین جهان شمشان به ماست و در اقصی نقاط جهان همه می‌گویند ما جمهوری اسلامی به رهبری امام امت و تبدیل شدن به امت شهید پرور و جنگ با صدام حسین کافر بنخواهیم حتی اگر بیست سال طول بکشد امام خمینی و امام خودشان گفته اند که من دست بازاریان را می‌بوسم بنابراین ما نمایندگان محترم مجلس باید پای آنها را ببوسیم و امت شهید پرور نباید از کمبودها کله کرده البته خوشبختانه کمبودی وجود ندارد و وفور نعمت به وفور وجود دارد و به عرف دشمنان اسلام گوش کنیم و با تبریک و تسلیت به امام امت و دعایه جان امام خمینی برای بقای عمر ایشان تا این که این جنگ دویت سال دیگر هم طول بکشد و با سلام به نقیه عالی قدر آیت الله منتظری که ایشان گفتند امام تا آخر ایستاده ایم امام خمینی بنابراین شا اینقدر زیاد مصرف نکنید ما خواهان مبارزه قاطع با بی‌حجابی و بدحجابی استکبار جهانی

قابل توجه دلان اسلحه خمینی در اروپا!

یک شرکت انگلیسی، آخرین شاهکار "دمکراسی" بورژوازی را برای فروش به دولتهای سرمایه‌داری عرضه کرده است. این ارمغان جدید، یک زرمیوش ۱۱ تنی است که مثل تانک حرکت می‌کند، با تویهای مخصوص، نارنجک گاز اشک آور برتاب می‌نماید، و به اطراف با شدت آب می‌پاشد. شرکت سازنده این هیولا، نام آن را "ماشین کامل برای کنترل نا-آرامی‌های خیابانی" نهاده است. در این زرمیوش انگلیسی، بازده بلیس جامی گیرند که می‌توانند در "صندلی‌های بسیار راحت" نشسته و تانکرکنندگان را از ۱۸ سوراخ به کلرله ببندند. علاوه بر این، ۱۶ نارنجک انداز با کنترل از راه دور و دست‌نماهای مخابراتی و دوربین‌های مختلف نیز در اختیار آنهاست. در ضمن جدار خارجی بدنه این زرمیوش به برق مشته هزار ولت متصل است تا کسی جرات نزدیک شدن به آن نکند. روزنامه تایمز چاپ لندن این اختراع را "جدیدترین هم ادا شده بریتانیا در حفظ صلح روی زمین" نامیده است. این روزنامه می‌نویسد بریتانیا می‌خواهد این "معجزه فن معجزات" را به حکومت‌های نظامی و سرکوبگر بفروشد.

هنوز!

در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، جول مک‌نالی طنزنویس آمریکایی طی مقاله کوتاهی برشرد. این فهرست، تنها طنز نیست، بلکه بازتاب این واقع و واقعی آمریکایی‌ها نیز هست که دولت ریگان، درسیاستهای ماجراجویانه و ارتجاعی خود تا کجا پیش خواهد رفت.

- هنوز فحش‌هایی هست که به روسها داده شده است.
- هنوز آمریکا عضو سازمان ملل است.
- هنوز کشورهایی وجود دارند که علیرغم نامطلوب بودن دولتهایشان در نثر رهبران آمریکا، مورد حمله ایالات متحده قرار گرفته‌اند.
- هنوز فضاکاری از سلاحهای نابودی جمعی است.
- هنوز در هر متر سرب خاک اروپا موشکهای آمریکایی مستقر نشده است.
- هنوز آمریکا آنقدر سلاح هسته‌ای در اختیار ندارد که جهان را به دفعات کافی نابود کند.
- هنوز برخی جوخه‌های مرگ و باند‌های تروریستی آمریکای مرکزی نزد "سیا" آموزش ندیده‌اند.
- هنوز کل بودجه دولت، به اهداف نظامی اختصاص ندارد.

بقیه در صفحه ۱۱

از ادبیات گمنام

موش خودبین

در ربود و شد روان او از پری موش، غره شد که هستم پهلوان گفت بنمایم ترا تو باش خوش کاندرو گشتی زبون، هر شیر و کرک نغفت اشتر؛ ای رفیق کوه و دشت! یا بنه مردانه، اندر جو درآ در میان ره میباش و تن مزین من همی ترسم ز غرقاب ای رفیق یا در و بنهاد آن اشتر شتاب از چه حیران گشتی و رفتی زهوش که ز زانو تا به زانو فرقهاست سر مرا صد گز گذشت از فرق سر تا نوزد جسم و جاننت زین شر با اشتر، مر موش را نبود سخن بگذران زین آب مهلک مر مرا برچه و بر کودبان من نشین بگذرانم صد هزاران چون ترا

موشکی در کف مهار اشتری اشتر از پستی که با او شد روان بر تتر زد برتو اندیشه‌اش تا بیامد بر لب جوی بزرگ موش آنجا ایستاد و خشک گشت این توقف چیست، حیرانی چرا؟ نو قلاووزی و پیش آهنگ من گفت: این آب شگرفست و عمیق نغفت اشتر، تا ببینم حد آب گفت تا زانوست آب ای کور موش گفت مورتوست، ما را از دهاست گر ترا تا زانو است ای پرهمز گفت گستاخی مکن بار دگر تو بری با مثل خود موشان یکن گفت توبه کردم از بهر خدا رحم آمد مر شتر را گفت همین این گذشتن شد مسلم مر مرا

(مثنوی مولوی - دفتر دوم)

* قلاووز: راهنما، پیشقراول
* کودبان: کوهان

* بری: برابری کردن یا کسی در مرتبه و توانایی

والسلام عنیکم ورحمه الله وبرکاته

حکم تخلیه و تخریب: پاسخ رژیم به خواسته ابتدایی بر خورداری از یک سرپناه

مردم بی سرپناه را در کوچه و خیابان، آواره می سازند

زحمتکشان را از سرپناهشان رانده و خانه محقر آنها را ویران می کنند

مساله مسکن، یکی از مهمترین مسائل مردم رنج کشیده و محروم میهن ماست. روانه شدن سالیانه بیش از یک میلیون جمعیت روستایی به سوی حاشیه شهرها که بر اثر سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی رژیم خمینی خانه خراب شده اند، افزایش جمعیت کشور و آوارگی دو میلیون نفر از ساکنان مناطق جتک زده، به شکل فاجعه باری بر ابعاد مشکل مسکن که ریشه اصلی آن در ماهیت طبقاتی جامعه است، افزوده است.

از آنجا که مسئولین دادستانی می دانستند به راحتی نمی توانند ساکنین این ساختمان را بیرون کنند. پندیه نفر افغانی را به اجرای حکم تخلیه از طرف دادستانی مامور می کنند. مامورین افغانی دادستانی به محل آمده و با زور و خشونت اسباب و اثاثیه اهالی را بیرون می ریزند که در جریان آن بسیاری از وسایل خراب شده و غیر قابل استفاده می شوند. از میان بیست و سه خانواده ای که از آن آپارتمان بیرونشان کرده بودند عده ای از آن محل رفته و اکثریت آنها از آنجا که هیچ گونه امکاناتی نداشتند اسباب و اثاثیه بازمانده خود را برداشته و در خیابان مصدق نرسیده به چهارراه طالقانی چادر زدند. نمونه دیگر مربوط به تخلیه آپارتمانی در خیابان فاطمی است. در این ساختمان یازده خانواده زندگی بقیه در صفحه ۷

رژیم ارتجاع که طوق خدمتگزاری خدمتگزاری کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را بر گردن دارد، نه تنها صریحا حق داشتن مسکن یعنی ابتدایی ترین نیاز هر فرد را "شعاری غلط" می داند که بر زبان مردم انداخته اند بلکه محقرانها، کپرما و آلونکبایی را نیز که زحمتکشان با رنج فراوان و خون دل خوردن توانسته اند تهیه کنند، به بهانه های گوناگون از جمله با استناد به بهانه وقفی بودن زمین آنجا بر سرشان ویران می سازند. در زیر چند نمونه تازه از تخریب خانه های معقر زحمتکشان را در حاشیه شهر تهران ذکر می کنیم: اخیرا مامورین شهرداری برای تخریب خانه های زحمتکشان به قلعه حسن خان واقع در کنار جاده قدیم کرج می روند و از ساکنین خانه های آنجا می خواهند خانه هایشان را ترک

کنند. مردم به مقاومت در برابر این زورگویی بر می خیزند و از تخلیه منازل خودداری می کنند. مامورین شهرداری با وجود اطلاع از عدم ترک منازل از سوی ساکنین آنها، با بولدوزر به سمت خانه هایورش آورده و دست به تخریب آنها می زنند. بر اثر ویران شدن یک خانه کودک خردسالی در زیر آوارچان می سپارد. - در روز ۱۸ اردیبهشت ماه تعدادی از نفرات مسلح دادستانی همراه با واحدهای تخریب شهرداری به محله شمس آباد واقع در شمال مجیدیه تهران حمله کردند. آنها قصد داشتند تعدادی از خانه ها را به بهانه تصرف عدوانی اراضی، تخریب نمایند. این اقدام به خواست زمین خواری صورت گرفت که مدعی اراضی این منطقه بود.

مهاجمین بلافاصله منطقه مورد نظر را محاصره کرده و پس از بیرون راندن ساکنین آن شروع به تخلیه و اسباب این منازل نمودند. در همان حالی که پاسداران و مامورین شهرداری و دادستانی، وسایل زندگی مردم زحمتکش این محله را در خیابان می ریختند، لودرهای اکیب تخریب برای ویران ساختن آن منازل آماده می شدند. ساکنین محل که در همان بدو تهاجم گرد آمده بودند، دست به اعتراض زدند.

اجتماع اعتراضی ساکنین محله شمس آباد، پاسداران را متوحش ساخت. آنها برای متفرق کردن مردم دست به تیراندازی هوایی زدند. اما با این اقدام مردم نه تنها مرعوب نشدند، بلکه به دادن شعار پرداختند. با اوچگیری اعتراض مردم، پاسداران وحشت زده مجبور به گریز شدند. (به نقل از نشریه "کار" شماره ۱۷)

در جاده مخصوص کرج روبروی بیمارستان کمک شماره ۲ در سه ساله اخیر خانه های جدیدی ساخته شده که ساکنین آنها را عمدتا کارگران کارخانه های اطراف، تشکیل می دهند. آنها زمین این ناحیه را از شخصی که فعلا هیچ گونه اثری از او نیست خریده اند، بدون این که در این مورد سندی رسمی داشته باشند. معامله بر اساس قولنامه صورت گرفته است. یک ماه و نیم پیش شهرداری بقیه در صفحه ۷

اعلامیه ای از فدائیان خلق در جنوب تهران

به دنبال بورش جدید اکیب های، تخریب شهرداری تهران در زیر سایه سرنگونه پاسداران رژیم خمینی، برای ویران کردن سرپناه زحمتکشان در حاشیه شهر، کمیته ناحیه جنوب تهران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تاریخ ۶۴/۴/۱۴ اعلامیه بلندی، با عنوان "ویرانگری و تاراج های شهرداری تهران" انتشار داده است. اعلامیه چنین آغاز می شود: "مردم مبارز تهران، کارگران و زحمتکشان رنج دیده!

اخبار زیر گوشه ای از تبهکاریهای شهرداری تهران است. * در خرداد ماه گذشته، ماموران شهرداری با دستگیری کمیته جی های محله قلعه حسن خان واقع در جاده قدیم کرج بورش می برند تا خانه های، راکه مردم با هزاران محنت بنا کرده بودند، تخریب نمایند. در جریان تخریب خانه ها کودک خردسال یک خانواده کارگری در زیر آوار مانده و در دم جان می سپارد، مردم از این جنایت آشکار به خشم آمده و با مامورین مسلح کمیته درگیر می شوند. * در خرداد ماه گذشته، ماموران شهرداری برای تخریب منازل مردم، به محله خلیج در جاده کرج بورش می برند که بر اثر مقاومت بیکارچه مردم، مجبور به ترک محل می گردند و مجدداً به هر امر اعلامی و مسلح باز می گردند که درگیری شدیدی بین مردم و مامورین صورت می گیرد. * در تاریخ ۶۴/۴/۱۰ در سه راه آذری، مامورین شهرداری "واحد مبارزه با ضد معبر" به دستفروشان حله رومی می روند و اموال آنان را به تاراج می برند و چند نفر را زخمی می کنند. این عمل وحشیانه منجر به اعتراض خشمگین مردم می گردد، به آوری که فریب پانصد نفر از کسبه و اهالی محل در وسط خیابان اجتماع کرده و عده ای به وایت شهرداری، حامل مامورین حمله رومی می شوند و اموال بتاراج رفته را پس می گیرند. بر روی یک دکه که ترحماً مامورین در هم شکسته بود، این شعار جلب نظر میکرد: "این ضد جنایت شهرداری است"

اعلامیه بعد از ذکر این اخبار به افشای عملکردهای شهرداری تهران در همراهی با مزدوران مسلح رژیم پرداخته و توضیح میدهد که چگونه "بیشهرد سیاستهای خائنانه و ایران بریاد ده توسط حکومت خمینی، هر روز هزاران هزار از مردم روستاها را آواره شهرهای کند و شهرداری، بعنوان یکی از سازمانهای حکومتی، همین مردم را که نیاچای به دستفروشی شده و در حاشیه های شهر برای خانواده های خود سرپناهی فراهم می آورند، در فشار قرار می دهند."

در پایان این اعلامیه، چنین می خوانیم: "مردم رنج دیده تهران! سازمان شهرداری یکی از دستگاههای همین حکومت است که علیه حقوق اساسی شادست به ویرانگری و تاراج می زند. نباید اجازه داد که سرپناه و امکانات حد اقل کسب و کار مردم رنج کشیده به دستور مفتی نکر کلان تاجران، نابود گردد. باید با مبارزه متحد و متشکل علیه واحدهای تخریب و جیپاول شهرداری و حامیان تفتیحی آنان بپا خاست باید با اعتراض های فردی و دسته جمعی به جریبه های رنگارنگ و زبردآختن ترارش و مالیاتها، امکانات غارت و جیپاول رژیم را محدود و محدودتر کرد. کارگزاران رژیم از اجتماع متحد و معانکت مردم می ترسند و به همین سبب دزدانه به چند واحد جداگانه بورش می برند تا از خشم جمعیت انبوه در امان بمانند. مردم هرکوی و برزق باید از هسابهای رنج دیده خود در مقابل واحدهای تخریب و تاراج متحد دفاع کنند. جوانان غیور و مردم دوست با تشکیل دسته های ضربت و مقاومت، به بهترین شکل ممکن میتوانند مامورین شهرداری را از اعمال ضد انسانی خود باز دارند و از محله بیرون برانند."

در چنین وضعیتی رژیم ارتجاع می گوید: "اگر کسی به این فکر بود که دولت روزی به او خانه می دهد این فکر بیهوده ای است" (اطلاعات ۵ آذر) و ضمن این سلب مسئولیت از خود، به مسئولیت دفاع از کلان سرمایه داران صاحب آپارتمانهای بی شمار مجدانه عمل کرده و با تسک به قوانین مغفور رژیم شاه، مردم بی سر پناه را از خانه هایی که با هزاران مشکل در آنها سکنی گزیده اند می راند و آنها را در کوچه و خیابان آواره می سازد. در کنار حکم تخلیه منازل، حکم تخریب خانه های ساخته شده در حاشیه شهرها نیز بی دریبی صادر می شوند. در همه مواردی که مامورین رژیم برای تخلیه و یا تخریب منازل بورش می آورند، مردم به شدت در برابر آنها ایستادگی می کنند. صحنه تخلیه و تخریب منازل، صحنه بورش رژیم به زحمتکشان و تظاهرات و مقاومت مردم علیه حکومت است.

ما در نشریه "اکثریت" تاکنون نمونه های متعددی از تخلیه منازل زحمتکشان را ذکر کرده ایم. در زیر به چند نمونه تازه از تخلیه منازل، اشاره می کنیم: در بیست و نهم اردیبهشت سال جاری، دادستانی، حکم تخلیه آپارتمانی در خیابان طالقانی روبروی جهاد سازندگی را صادر می کند، تا بعد از تخلیه ساکنین، این ساختمان را در اختیار بانک صادرات قرار دهد. آپارتمان متعلق به یک سرمایه دار فراری به نام رحمانی است که در رژیم شاه ۲۰۰ میلیون تومان به بانک صادرات بدهی داشته و اکنون بانک این ساختمان را بابت طلب خود متصرف شده است.

مردم بی سرپناه را در کوچه و خیابان ...

بقیه از صفحه ۶

می کنند. ساختمان متعلق به یک شرکت خصوصی است. از همان اوایل سکونت این خانواده‌ها وزارت مسکن و پیرسازی متعهد شده بود که کرایه خانه این خانواده‌ها را به شرکت پرداخت کند اما بعد به بهانه نداشتن بودجه از پرداخت آن سرباز می‌زند. صاحب خانه شکایت کرده و ضمن ادعای خسارت خواهان تخلیه ساختمان می‌شود. ساکنین آپارتمان به ناچار به لور دسته جمعی به وزارت مسکن، برداری تهران و شورای استان مراجعه می‌کنند ولی اقداماتشان به جایی نمی‌رسد تا اینکه به نخست زبیری می‌روند و در آنجا طی گفتگویی ساینده نخست وزیر را مجبور به قبول خواسته‌های خود مبنی بر پرداخت خسارت ادعایی شرکت، پرداخت تریایه آپارتمان و توقف حکم تخلیه می‌کنند. مبارزه اهالی این ساختمان برای سکونت دائمی ادامه دارد.

در سال ۵۹ با موافقت شورای استان، کودکان تهران از کودهای رسولی، انوری و... به ساختمان‌های سرمایه‌داران فراری و ساختمان‌های مصادره شده منتقل شدند. در آن زمان از طرف دولت به آنها قول داده شده بود که برایشان خانه ساخته و در اختیارشان بگذارند، اما بعد از گذشت چند سال نه تنها از خانه‌های وعده داده شده خبری نشد، بلکه اخیراً دادستانی انقلاب اسلامی

به بهانه های مختلف حکم تخلیه این کودکان را از منازل یاد شده صادر کرده است. از جمله بدنبال تصمیم دادستانی مبنی بر تخلیه منازل مسکونی از کودکان تهران، چهارده خانواده را از ساختمانی که در خیابان مصدق نزدیک کلانتری مرکز واقع است بیرون کرده‌اند. این ساختمان متعلق به سرمایه‌داری فراری بوده که بعد از مصادره در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفته است. خانواده‌هایی را که از این ساختمان بیرون کرده‌اند، دستشان به جایی بند نیست حتی به نان شب محتاجند. آنان هم اکنون در کنار خیابان در زیر چادر پناه گرفته‌اند.

روز دوشنبه ۶۴/۴/۲ "صاحب" آپارتمان بزرگی در خیابان مصدق جنب خیابان جامی با در دست داشتن حکم دادستانی خواهان تخلیه فوری ساکنین آن که جنگ زده‌های خوزستانی بوده‌اند، می‌شود. این شخص بعد از انقلاب فراری بوده و اکنون به یمن مراحم جمهوری اسلامی مال و مکتنت سابق را به دست آورده است. برای تخلیه آپارتمان مذکور، پاسداران نیز به کمک سرمایه‌داران مدتی پیش فراری می‌شتابند. آنها با خشونت ساکنین آپارتمان را کتک زده و وسایل آنها را به خیابان می‌ریزند. مقاومت ساکنین خانه در برابر پاسداران تا نیمه شب ادامه داشته است.

زحمتکشان را از سرپناه‌شان رانده و ...

بقیه از صفحه ۶

حکم به تخریب این منازل داده و گروه تخریب خود را به جانب این بدله گسیل می‌کند. مردم دست به مقاومت می‌زنند. پاسدارها که گروه تخریب را اسکورت می‌کرده‌اند شروع به ضرب و شتم مردم می‌کنند. مردم در برابر پاسدارها بی محابا شعار امرگ بر خمینی می‌دهند.

تخریب این جریان در تخریب خانه‌های بدون جواز محله خلیج واقع در جاده قدیم کرج اتفاق افتاده است. مقاومت مردم یکبار گروه تخریب را وادار به فرار می‌سازد. آنها در یورش دوم خود از سوی پاسدارهای مسلح رژیم همراهی شده‌اند. مردم این بار نیز دست به مقاومت جانانه‌ای می‌زنند. گروه تخریب علی رغم مقاومت شدید مردم بالاخره به کمک سر نیزه پاسدارها موفق به تخریب سرپناه محقر مردم این عله می‌شوند.

مصاحبه با یک پیر برنادر جنبش کارگری سوئد

در روزنامه‌های سوئد خواندم نقش تعیین کننده‌ای در انتخاب راه من ایفا کرد.

س: در سال ۱۹۰۸ شما بازداشت و محکوم باعدام شدید. علت دستگیری و محکومیت شما چه بود؟

ج: در سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۰۶ اعتصابات عظیمی توسط کارگران کشاورز و کارگران بنادر صورت گرفت. خواست کارگران کشاورز بیشتر جنبه صنفی و رفاهی داشت و خواست کارگران بندر که بدترین شرایط کار را داشتند مبارزه علیه پیشنهاد قرارداد استخدای کارگران از طرف اتحادیه کارفرمایان بود. قراردادی که طبق آن، کارگران از عضویت و فعالیت در اتحادیه‌های کارگری منیع می‌شدند و طبق بند ۲۲ آن، که بعداً به بند ۲۲ تغییر پیدا کرد، کارفرما حق استعفاء و اخراج کارگران را بطور کامل در اختیار خود می‌گرفت. از اینرو کارگران بنادربه مبارزه علیه کل این قرارداد بخصوص بند ۲۲ آن برخاسته بودند.

در سال ۱۹۰۸ اعتصابات کارگری بنادر مجدداً اوج گرفت. کلیه کارگران از شمال تا جنوب سوئد در بنادر دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که سه ماه طول کشید، یکی از بزرگترین اعتصابات تاریخ جنبش کارگری سوئد می‌باشد. دولت وقت برای سرکوب مبارزه منسجم و عظیم، کارگران اعتصاب شکن حرفه‌ای از انگلستان وارد کرد. این اعتصاب شکنان که بصورت گروه‌های ۴۰ نفره بودند توسط کشتی‌های انگلیسی در بنادر مختلف سوئد لنگر انداختند.

من و دو تن دیگر از هم‌زمان خود به منظور ایجاد ترس بین کارگران اعتصاب شکن انگلیسی در یکی از کشتی‌های انگلیسی بنام آمالفاکه در بندر جنوبی سوئد، مالمو لنگر انداخته بودیم کتاری کردیم بر اثر انفجار آن یک نفر اعتصاب شکن کشته و تعدادی زخمی شدند. لازم بتذکر است که هدف، کشتن یا زخمی کردن کارگران اعتصاب شکن نبود. بعد از مدتی من و دوستانم توسط پلیس شناسائی و دستگیر شدیم. دادگاه مرا باعدام و دوستانم را به زندان ابد محکوم کرد. خوشبختانه با حمایت و همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان اروپا و آمریکا و فشار افکار عمومی سوئد، حکم اعدام من به تعویق افتاد و بقیه در صفحه ۱۰

مصاحبت با بیشتانمان مبارزه و پیران جنبش، همواره آموزنده، الهام‌بخش و شورانگیز است. انسان با یک تاریخ مجسم مواجه می‌شود و شهادی عینی می‌یابد که بر حرکت و تکامل دلالت دارد، شهادی زنده که می‌تواند گذشته‌ها را به یاد آورد و در مقایسه آن با حال نشان دهد که جنبش کمونیستی، در سرتاسر جهان چه پیشرفتهای شرفی داشته و در نتیجه مبارزات پیگیر و فداکاریها و دلاوریها، بی‌مانند به چه عمق و کمترش اعتبار انگیزی، دست یافته است.

مادر این شماره، مصاحبه‌ای را از نظراتان می‌گذاریم که رفقای مادر سوئد، با رفیق آنتون نیلسون، یکی از پیشگامان جنبش کارگری و کمونیستی سوئد، انجام داده‌اند. آنتون نیلسون، یک چهره استوار جنبش کارگری سوئد و یکی از منابع الهام مبارزین جوان این کشور است. او در سال ۱۸۸۷ در یک خانواده محروم روستائی به دنیا آمد و از ۴ سالگی به کارگری اشتغال داشته است. او که از کودکی ستم طبقاتی را لمس کرده بود، در نوجوانی به مبارزه روی آورد و خیلی سریع به مارکسیسم گروید. آنتون آنتون نیلسون ۹۸ سال دارد، علی رغم کهولت، سرزنده و شاداب است و همچنان به مبارزه خود در صف مقدم جنبش کارگری سوئد ادامه می‌دهد.

س: چه عواملی موجب شدند تا شما به مبارزه و جنبش کارگری به پیوندید؟

ج: در پاسخ باین سؤال باید بگویم که علاوه بر فقر و محرومیت و شرایط سخت زندگی، که با تمام وجودم آنرا حس می‌کردم، در ایام نوجوانی ام حوادث مهمی رخ نمودند که در رشد آگاهی و گرایش من به مبارزه طبقاتی نقش تعیین کننده‌ای ایفا کردند. از جمله می‌توان به رویداد انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و مبارزات کارگری سوئد و نروژ جهت استقلال نروژ اشاره کرد. همین طور وقایعی که در نهم ژانویه ۱۹۰۵ در پترزبورگ اتفاق افتاد و طی آن تظاهرات مسالمت آمیز بیش از ۱۴ هزار کارگر همراه با زنان و کودکان به دستور تزار به خاک و خون کشیده شد. باید بگویم که حوادث آن روز که یکشنبه خونین نامیده شد و خیر آن را برای اولین بار

آخرین نمونه تخریب منازل زحمتکشان، تخریب ۲۰۰ واحد مسکونی در منطقه فیروز آباد شیرازی است.

تصمیم به تخریب این واحدهای مسکونی به بهانه این که زمین آنها وقفی است از مدتها پیش گرفته شده بود اما هر بار با مقاومت اهالی محل به تعویق می‌افتاد. اوایل خرداد ماه اسال مامورین شهرداری برای تخریب خانه‌ها راهی این محل شدند اما مقاومت اهالی بویژه زنان، آنها را موفق گرداند.

بالاخره ارکانهای سرکوبگر رژیم به کمک گروه تخریب شتافته و با قشون مجهزی به این محل یورش آوردند. حمله در نیمه شب دوشنبه ۱۷ تیر ماه صورت گرفت. عملیات تخریب خانه‌ها تا نزدیک ۵ صبح ادامه یافت.

همه وسایل مردم در زیر آوار بقیه در صفحه ۹



عرصه دیگری از جنایات رژیم

افزایش فقر و بیکاری ناشی از سیاستهای اقتصادی و جنگ ملیبهای رژیم و عملکرد مخرب آن در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، هر روز در گوشه و کنار میهنمان فجایع جدیدی می‌آفریند.

* در روز ۲۲ خرداد، در رشت صاحب یک مغازه نانواچی نمود را حقی اویز کرد. یک هفته پیش از این واقعه او توسط سپاه دستگیر شده بود به این فرد اتهام گرانروشی زده بودند. او برای آزادی خود ناچار شد مبلغ ۵۰۰ هزار ریال بپردازد. اما او از بازپرداخت این مبلغ که فرض کرده بودند ناتوان بود. استیصال وی را به خودکشی واداشت.

* جوان ۲۴ ساله‌ای در رشت دچار اختلالات شدید روانی شده و در خیابانها بر سر می‌زند. قبلا او را با اتهامی سیاسی دستگیر ساخته بودند. وی مدت سه سال در زندانهای خمینی بسر برده بود.

پس از آزادی از زندان در کمال تنگدستی بسر می‌برد. او که تحصیلاتی در سطح دیپلم داشت به هر جایی برای دریافت کار مراجعه میکرد جواب رد می‌شنید. سابق محکومیت وی بعنوان "سوپیشینه" دلیل دیگری برای نیافتن کار بود. در خرداد ماه تعادل روانی این جوان بتکلی از هم پاشید و دیوانه شد. او اینک در آسایشگاه رازی تهران بسر می‌برد.

* جوان ۲۵ ساله‌ای در تهران خود را کشت. او ساکن منطقه قلیک، ایستگاه مینا بود علت خودکشی رد شدن در کنکور دانشگاه بود. او در مرحله تحقیق و تفتیش عقاید رژیم رد شده بود.

* یک دانشجوی سال آخر دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، در هفته آخر خرداد اقدام به خودکشی کرد. او که در حال گذراندن ترم پایان تحصیلی اش بود دچار اندوه عمیقی شده بود. ترم او "بررسی علل بیماریهای روانی در سالهای اخیر در ایران" بود. او در این تحقیق وضعیت دردناکیز بیماران روانی و فجایع هولناک ناشی از جنگ را دریافت. وی توان تحمل این حقایق را نداشت و خود را کشت.

"نماز جمعه نمی‌آئید اما..."

ماشینی که کارگران مفتجان را برای کار به حسن‌آباد تهران می‌برد در نزدیکی قم تصادف می‌نماید در این تصادف پنج نفر از کارگران کشته می‌شوند. در تشییع جنازه این پنج کارگر که یکی از آنها نیز فوتبالیست بوده است اهالی مفتجان و نیز ورزشکاران فعالانه شرکت می‌کنند. شرکت گسترده مردم در این مراسم باعث رنجش نیروهای حکومتی در محل می‌گردد. آنها پلاکاردهای نصب شده را پاره می‌کنند. "نماینده امام" در سپاه پیغام می‌دهد برای این کارگران هیچگونه مراسمی نباید باشد و همه فوتبالیستها را تهدید می‌کند که شانماز

جمعه و مسجد نمی‌آئید اما برای کارگران، مراسم میگیرید. او می‌گوید اینها همه کمونیست هستند و کمونیستهای خواهند برای کارگران مراسم بگیرند. با همه تهدیدات انجام یافته مراسم "مغتم" این کارگران با شرکت مردم مفتجان و ورزشکاران بشکل رامییمایی تا قبرستان برگزار گردید. دسته گل‌های فراوانی نیز برای مزار این پنج کارگر کشته شده تهیه شده بود. سپاه به تمام ماشینها و مردم و خانواده‌های داغدار ابلاغ کرده بود که باید ابتدا بر سر قبر تنه‌ای جنگ بروند اما مردم بدون توجه به عریده‌های پیوسته ماشین سپاه دایر بر دعوت به "کلزار شدا" به سو، محل دفن کارگران روانه شدند و بر مزار کارگران گل نهادند.

درگیری بین باند‌های حکومتی در شیراز

طشت رسوایی که به صد آید اختلافات اوج می‌گیرد.

بر زمینه گسترش اعتراضات توده‌ای علیه جنگ که حتی در سفر انبیهای برخی نیروهای پایین‌تر رژیم در شیراز نیز بازتاب یافت، درگیری بین باند‌های حکومتی در این شهر بالا گرفت. دار و دسته حائری امام جمعه شیراز و سید محمدعلی دستغیب به جان هم افتادند. دستگیری تنی چند از طرفداران حائری در شیراز، همچون "حجت الاسلام پیشوا" به اعتراض حائری در نماز جمعه انجامید که این خود به بروز درگیری بین طرفداران این دو آخوند حکومتی منجر شد. پس از وقوع این درگیریها خانواده دستغیب و نمایندگان شیراز در مجلس با خمینی و منتظری دیدار کردند. پس از این دیدار اطلاعیه‌ای از سوی چندین حجت الاسلام که نام فامیل همگی آنها

بقیه از صفحه اول

مهارکنند. این جنبش با کامهای استواری، به پیش می‌رود و اکنون نیرومندترین بخش جنبش توده‌ای است.

اگر اعتصاباتانی را که بعد از اعتصاب کارخانه دانه‌نیات و کاناداداری به وقوع پیوسته اند، از نظر بگذرانیم، به دیرینه‌ی مهم جنبش کارگری در مقایسه با دیگر بخشهای جنبش توده‌ای که عموماً استمرار لاینقطع آن است، بی‌می‌بریم. خصصت، استمرار در جنبش کارگری، وقتی که همراه باتوان عظیمی که در پشت سر آن نهفته است، در نظر گرفته شود، جایگاه ویژه و بی‌همتای آنرا در کل جنبش توده‌ای نشان می‌دهد.

رژیم خود به اهمیت جنبش کارگری، پی‌برده است. اکنون به مجرد بروز یک حرکت اعتراضی، بلافاصله ارگانهای سرکوبگر حاکم شده و در بسیاری موارد به کارخانه پورش می‌برند. رژیم به درستی هر حرکت اعتراضی را حتی اگر بار صغفی کم اهیتی هم داشته باشد، حرکتی علیه خود می‌داند و خود به بیای شدن آن کمک می‌کند. کنترل پایسی در کارخانه‌ها مرتب افزایش می‌یابد. دستگیر، از میان فعالین کارگری و پیشروان

دستغیب است صادر شد، که "امت حزب الله" را به سکوت و آرامش دعوت می‌کرد.

اعتراض نسبت به اخراج استاد

در دانشگاه "الزهر" چندی قبل یکی از استادان را به دلیل "بدحجابی" اخراج کردند. دانشجویان نسبت به این اد اعتراض نمودند و خواهان بازگشت استاد مزبور شدند. آنها دست نوشتنهایی به نقاط مختلف دانشگاه نصب کرده و بر سر کلاسها حاضر شدند مسئولین دانشگاه بالاخره مجبور به بازگرداندن استاد اخراجی شدند.

در همین دانشگاه "الزهر" به هنگام بازدید وزیر فرهنگ و آموزش عالی بین گروهی از دانشجویان انجمن اسلامی و شرماهان وزیر مشاجراتی صورت گرفت که به کتک خوردن همراهان وزیر فرهنگ و آموزش عالی منجر شد. تشدید اختلافات بین دسته‌بندیهای حکومتی و بی‌بست سیاستهای آموزشی رژیم خود را بشکل گسترش این درگیریها به نمایش می‌گذارد.

ششول بندهای رژیم

یک کمیته‌چی در خیابان شادمان تهران قصد دستگیری دختر و سیری رامی نماید که با مقاومت آنها روبرو می‌شود. در همین حین گروهی از جوانان، به آن نیز سر می‌رسند کمیته چی مزبور باکشیدن کلت، و تیراندازی هوایی سعی می‌کند جوانان محل را فراری دهد که موفق نمی‌شود و خودسوی مسجد "حمزه" فراری میشود اما این بار در کار خود فرار موفق می‌شود و جوانان محل نمی‌توانند به وی دست بیابند. روز بعد، محل به قرق نیروهای کمیته در می‌آید.

جنبش کارگری، نیرومندترین بخش جنبش توده‌ای

حرکت‌های اعتصابی، بی‌وقفه ادامه دارد. دستتیب شاهها - حتی اگر به سازمانهای انقلابی وابسته نباشند - به حبس‌های طولیل المدت محکوم می‌شوند و یا مدت‌های مدید در زندان بلا تکلیف می‌مانند. بعنوان نمونه، هنوز دستتیب شده‌های اعتصاب سال گذشته کارخانه کاناداداری، آزاد نشده‌اند. چماق اخراج نیز پیوسته بالا، سر کارگرانی است که حق خود را می‌خواهند.

علی‌رغم این که طبقه کارگر میهن ما، اکنون بسیار بر تجربه‌تر و آموخته‌تر از گذشته است، اما فقدان تشکل و فقدان آن سلاح آگاهی که لازمه ایفای نقشی شایسته جنبش کارگری است، بر توانمندی و شعاع تاثیرگذاری این جنبش تاثیر منفی نهاده است. جنبش کارگری، نیرومندترین بخش جنبش توده‌ای است، اما این هنوز بدان معنی نیست، که این جنبش توانسته است، کل جنبش توده‌ای را زیر تاثیر خود گرفته و آنرا زیر پرچم خویش، هدایت کند.

سروش آئنده میهن ما را میزان سهم عینی و بالفعل جنبش کارگری در کل جنبش توده‌ای معین می‌کند. توجه به این نکته اهمیت تشکل و آگاهی برای طبقه کارگر میهن ما را برای حرکت بیشتر، باز می‌نمایاند. ●

از میان نامه‌ها

امسال نیز علیرغم همه تهدیدهای رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی، کارگران قهرمان ایران جشن اول ماه مه را در کارخانه‌ها، پارکها و خانه‌های کارگری به شکلهای مختلف برگزار نمودند. آنها در هر کجا که توانستند شعله‌های امید و مبارزه را برافروختند و روح همبستگی، دوستی و برادری را با ایمان به فردای عادتبار پیروزی به نمایش گذاشتند. اکنون اگرچه مدتی از روز جهانی کارگر می‌گذرد ولی بازمی‌مناسبت نمی‌دانیم که دو نامه رسیده درباره چگونگی برگزاری مراسم اول ماه مه که جلوه‌ها، تابناک و پایداری در شرایط ترانفرسای زندگی کارگران و زحمتکشان میهن ما هستند را به چاپ برسانیم.

یادآوری این نکته را لازم میدانیم که بخش‌هایی از این دو نامه را بدلیل امنیتی حذف و با سه نقطه شخص نموده‌ایم.

برگزاری جشن اول ماه مه در خانه یک کارگر مبارز قدیمی

"اردیبهشت ماه فرارسیده بود و قلب مادر تب و تاب اینکه چگونه میتوانیم در این شرایط روز کارگر را بر چه باشکوهرتر برگزار کنیم. بهر ترتیب تصمیم گرفتیم جشن اول ماه مه را بطور مخفی در خانه یک کارگر قدیمی... برگزار کنیم. جمع ما حدوداً به ۵ نفر می‌رسید که اکثر قریب به اتفاق آنها کارگر زحمتکش و یا اعضای خانواده کارگران بودند. همه آن روز لباسهای نویسان را پوشیده بودیم و بهتکام ورود به گرمی با یکدیگر دیده‌بوسی میکردیم، همه باهم میکفتیم روزمان مبارک! و آرزو میکردیم جشن برخمان را روزی دوباره در میدان آزادی برگزار کنیم! ما برای این جشن از قبل توجیه مناسبی آماده کرده بودیم. همه آمدند، در ابتدای جشن یکی از دوستان کارگر خوش آمد گفت و از تاریخچه برگزاری این روز در میهنمان و در جهان صحبت کرد. ری خواسته‌های اساسی کارگران را برشرد سپس بیاد تمامی شهدای راه آزادی لایقه کارگر و پیروزی‌های آن سخن گفت و به تشریح اهمیت این روز پرداخت.

در ادامه برنامه رقص و آواز اشتیم و پس از اتمام آن، دو تن از کارگران شعر شاعر بزرگ "افراشته" را پیرامون ماهیت سرمایه‌دار

و حکومت سرمایه‌داری بصورت یکی‌نمایش اجرا کردند. شعر اینگونه پایان می‌پذیرفت: "حال ای کارگر این بود ارباب-حرف او دیدی؟ خود را دریاب - شده از خون تو مست این زال-تا که مست هست بگیری ز کلو". و کارگری که نقش خود را بازی می‌کرد، گوی سرمایه‌دار را گرفته و به زمین می‌غلطاند. جمعیت حین اجرا با تکه‌هایی از خود هردو بازیگر راهمراهی می‌کردند. پس از آن یکی از دوستان خوش صدا غزلی در مدح کارگر خواند. برنامه پیش می‌رفت و همه بشکلی سعی می‌کردند در جشن شرکت فعال داشته باشند. در این میان یکی از دوستان شعری بنام "سویالیسم" خواند که تحسین همگان را برانگیخت. قبلاً از اعضای شرکت کننده در برنامه پولی جمع آوری شده بود که مخارج جشن و تهیه یک هدیه را تامین می‌نمود. این هدیه توسط دختر کارگر میزبان ما که با سابقه‌ترین کارگر میان ما بود، به‌وی تقدیم شد. چشمان این کارگر قدیمی از شوق لبریز از اشک شد. از او خواستند که برای همه صحبت کند، او در صحبت خود گفت "امیدوارم همه شما جوانها سالم و زنده و سر حال باشید."

در اوج برنامه سرود "انترناسیونال" توسط سه تن از کارگران خوانده شد، بقیه نیز در قسمتهای معینی از آن، همراهی می‌کردند، همه یک صدا با تان بر می‌آوردند "انترناسیونال است نجات انسانها" در حین اجرا سرود، چشمانمان را به هم دوخته و به آینه تابناک می‌اندیشیدیم. بعد از اجرای سرود، نوبت نمایشنامه ای بود که شیوه برخورد سرمایه داران را با کارگران به خنتام استندام نشان می‌داد، این نمایش بدون نوشتن و آمادگی قبلی اجرا می‌شد، اکثر جمع نیز با آنها همراهی می‌کردند. بازیگران چون بازیگری بر توان نقش خود را ایفا می‌کردند، چرا که سرنوشت خود را به نمایش در آورده بودند. دو تن از کارگران زن، سرود "روز کارگر" را باهم خواندند و فریاد برآوردند "بریا کارگر، روز اتحاد و اتفاق ماست." در پایان یکی از دوستان، از رزمندگان راه‌رهایی طبقه کارگر یاد کرد و از آنان که بخاطر آرمان و الایشان عاشقانه جان بخورد را نثار کرده‌اند و یاد رزندانهای رژیم دلاورانه بایمردی نشان می‌دهند، همه باهم آرزو کردیم که روز رهایی کارگران و برپایی حکومت کارگران هر چه زودتر فرارسد."

جشن اول ماه مه در یکی از کارخانه‌های جاده قدیم کرج

"... کارخانه ما هفتاد کارگر دارد. کارگران از چند روز قبل از رسیدن ۱۱ اردیبهشت به صحبت پیرامون برگزاری جشن اول ماه مه پرداختند. در همین حال صحبت از این بود که دولت و وزارت کار رژیم مجبورند برای عوامفریبی و همچنین عقب نشینی در مقابل مبارزات اوج گیرنده اخیر کارگران این روز را به شکلی برگزار کنند. با این حال کارگران متفق القول بودند که باید جشن را مستقلانه و در کارخانه برگزار کنند و با این تصمیم بود که به تدارک برگزاری جشن پرداختند و چند تن از کارگران مسئول برگزاری جشن شدند و با جمع آوری مقداری پول از کارگران در روز اول ماه مه مقداری شیرینی و چند دسته گل سرخ خریدند و در حالیکه از صبح روز اول ماه مه کارگران به صحبت پیرامون سابقه تاریخی این روز و برگزاری آن در ایران و همچنین موضع ضد انقلابی و ضد کارگری رژیم بودند، منتظر فرارسیدن ساعت جشن بودند. در عصر روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت کارگران در یکی از سالنهای کارخانه جمع شدند در حالیکه محفل گرم کارگران با دسته گل‌های زیبا آراسته شده بود، بیانگر این بود که آنها مصممند در هر شرایطی و به هر شکلی این روز را کرامی بدارند و آنرا تبدیل به جلسه طرح خواسته‌های خود بکنند. آقای مدیر عامل و اعوان و انصارش که کارگران را مصمم در برگزاری جشن در محل کارخانه دیدند تصمیم به شرکت در جشن را گرفتند. جشن با سخنرانی یکی از کارگران پیرامون سابقه تاریخی اول ماه مه آغاز شد و در ادامه سخن خود به وضعیت کارگران در جوامع سرمایه‌داری پرداخت و از رنج‌ها و بدبختی‌هایی که در این جوامع برای زحمتکشان

زحمتکشان را از سر پناهشان رانده و...

بقیه از صفحه ۷

مانند کمپرسی‌ها بی دریغ مصالح ساختمانی و اسباب و اثاثیه‌های مانده در زیر آوار را جمع کرده و از منطقه خارج می‌ساختند. مردم حتی به سختی فرصت آفرامی‌یافتند که از منازل در حال ویران شدن، خارج شوند. با این که سردمداران جریان، تهدیدات لازم را برای سرکوب مقاومت مردم دیده بودند، اما نتوانستند از خشم آنها در امان باشند. مردم به مقاومت پرداختند و چندی

وجود دارد صحبت کرد و آنگاه آن وضعیت را با شرایط زندگی کارگران ایران مقایسه کرده و به این نتیجه منطقی رسید که الان در ایران چیزی جز شرایط کاری که در جوامع سرمایه‌داری است، عمل نمی‌کند و شاهد آثرانیز به درستی وضعیت رنجبار زندگی فعلی کارگران میهنمان آورد. آنگاه مدیر عامل که اوضاع را چنین دید شروع به صحبت و لاپوشانی واقعیتها کرد و از میان حرفهای کج و معوج خود که تلاش می‌کرد منطقی جلوه کند به این نتیجه رسید که در حال حاضر شرایط کار در ایران مثل سابق و جوامع سرمایه‌داری نیست. بعد از پایان سخنان مدیر عامل یکی دیگر از کارگران به صحبت پرداخت و به رد تقریبات مدیر عامل با تکیه بر واقعیات موجود (قانون کار ارتجاعی، وضعیت بد زندگی کارگران و...) پرداخت و به طرح خواسته‌های کارگران از جمله قانون کار انقلابی همت گماشت و در پایانه راه چاره کارگران را در اتحاد و تشکیل بیان کرده پس از آن محل جشن به جلسه طرح خواسته‌های عمومی و مشخص کارگران تبدیل شد. کارگران با اشاره به قانون کاری که در حال تحمیل شدن به آنان است بدرستی بر این مساله با فشاری می‌کردند که "این قانون آن چیزی نیست که ما برای آن انقلاب کردیم" و می‌گفتند این قانون بیشتر بدرد سرمایه داران می‌خورد تا کارگران. همچنین آنها خواسته‌های مشخص خود را از جمله دادن نهار که مدیر عامل در مجمع عمومی کارخانه که در حدود ۱۰ ماه پیش برگزار شده بود قول آن را داده بود و هنوز عملی نشده بود و مسائل دیگری از جمله سرویس، وسایل ایمنی در کارخانه و... پرداختند.

بعد از پایان جشن، کارگران با خوشحالی صحبت از این می‌کردند که توانسته بودند جلسه جشن را تبدیل به عرصه دیگری، از مبارزه و طرح خواسته‌های بحق خود بکنند."

دستگاه لودر و بولدوزر را از کار انداخته و برخی از آنها را به آتش کشیدند. ماموران کمیته و ژاندارمری برای در هم شکستن مقاومت مردم به شکل وحشیانه ای بر سر آنها ریختند. جمع بسیاری را مضروب و مجروح ساخته و عده کثیری را دستگیر کردند. جنایت رژیم در فیروز آباد شهر ری و مقاومت مردم این محل، انعکاس وسیعی در میان زحمتکشان محلات مجاور داشته است.

پنجاه سال از کنگره هفتم کمینترن گذشت

بقیه از صفحه اول

جهانی" را ایفای کرد. ۵۱۲ نماینده از ۶۵ حزب کمونیست که بیش از سه میلیون کمونیست از سراسر جهان را نمایندگی می‌کردند، می‌بایستی این اوضاع جدید را بررسی می‌کردند. اهمیت تاریخی کنگره هفتم، دقیقاً در همین بود که بر اساس ضرورت‌های عینی، پاسخ سزنده‌ای به این مسئله مرکزی زمان داد: چگونه می‌توان خطر مرکبار فاشیسم را دفع کرد و امکان درگیری یک جنگ جهانی امپریالیستی جدید را از میان برد؟ مشی سیاسی مصوب این کنگره که برای سایر نیروهای سیاسی نیز پذیرفتنی بود، در یک جمله اینچنین خلاصه می‌شد: بیکار برای صلح، دموکراسی و سرکونی فاشیسم. این مبارزه تنها می‌توانست از طریق تشکیل جبهه واحد طبقه کارگر و جبهه ضد فاشیستی خلق تحقق یابد.

نتایج کنگره هفتم کمینترن، جنبش کمونیستی را قادر ساخت به مبارزه خود در راه صلح و ترقی اجتماعی، ست گیری آینده تکرر، بدهند. مشی سیاسی مصوب این کنگره، در جنبش بین‌المللی کارگری و نیز در میان سایر نیروهای دمکراتیک آمادگی برای مبارزه با دیکتاتوری های فاشیستی را افزایش داد. سوسیال دمکراتها، صلحدوستان و سایر انسانهای ترقیخواه - از جمله با اعتقادات مذهبی - که آنها نیز مانند کمونیست‌ها تحت سرکوب فاشیسم قرار داشتند، اولین گامها را در کنار گذاشتن پیشداوریهای ضد کمونیستی برداشتند. البته بدیهی است که این روند به خودی خود انجام نگرفت. کنگره هفتم مقرر داشت که احزاب کمونیست بدون پوشاندن اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی در راه تحقق اتحاد عمل با سوسیال دمکراتها کوشیده و موافقت همه نیروهای مخالف فاشیسم را با تشکیل یک ائتلاف وسیع برای سرکونی دیکتاتوریهای فاشیستی موجود و جلوگیری از برقراری دیکتاتوریهای فاشیستی دیگر، جلب نمایند. طبق مصوبات این کنگره، می‌بایستی در درون جبهه متحد خلق، طبقه کارگر متحد، به اتفاق دهقانان، خرده‌بورژوازی شهری، روشنفکران دمکرات و همه آنهایی که آمادگی مبارزه با فاشیسم و خطر جنگ را از خود نشان می‌دادند، در راه اهداف مشترک مبارزه کنند.

زحمتکشان از یک سو و نیروهای ارتجاعی الیگارش و زمینداران بزرگ از سوی دیگر حدت گرفت، به پیشنهاد حزب کمونیست شیلی احزاب دمکراتیک در ماه مارس ۱۹۲۶ جبهه خلق را به منظور مبارزه با خطر فاشیسم تشکیل دادند. در دسامبر ۱۹۲۸، این جبهه، دولت شیلی را تشکیل داد و ملی اقداماتی وضعیت کارگران و کارمندان را بهبود بخشید. سالوادور آلنده فقید نیز در این دولت عضویت داشت. با اینکه این اتحاد بعدها از هم یابید، اما به برکت نیروی متحد طبقه کارگر، دو توطئه کودتای فاشیستی خنثی شد و آزادیها و حقوق اساسی دمکراتیک محفوظ ماند.

تئوری و سیاستی که صحت آن به قوت خود باقی است.

احکام تئوریک و نتیجه گیریهای عملی‌ای که در کنگره هفتم کمینترن در مورد استراتژی و تاکتیک احزاب کمونیست تعمیم یافت، در برخی جنبه‌ها با گذشت ده‌سال هنوز اعتبار و درستی خود را حفظ کرده‌اند و راهنمای موثر کمونیستها در تدوین تئوری و سیاست درست در مبارزه علیه امپریالیسم و بخاطر صلح، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم است. دو مسئله در مرکز توجه این کنگره قرار داشت: تامین اتحاد عمل طبقه کارگر بصورت تشکیل جبهه واحد کارگری و اتحاد وسیع نیروهای ضد فاشیست از اقلات و طبقات گوناگون در جبهه متحد خلق. کنگره هفتم، موضع چپ‌روانه و نادرست برخی احزاب در قبال سوسیال دمکراسی را مورد انتقاد قرار داد. در

مصاحبه با یک ... بقیه از صفحه ۷

بعد از ۱۰ سال زندان با شرایط شاق که حتی ملاقات با نزدیکترین افراد خانواده را ممنوع کرده بودند، با تغییر رژیم از زندان آزاد شدم. از آنجاییکه این روزها مصادف با انقلاب اکتبر بود، تعداد کثیری از مردم سوئد که در جلودندان شعار زنده باد انقلاب می‌دادند، از من استقبال کردند. آن روزی که از بیرخلره ترین روزهای زندگی من است.

بعد از آزادی از زندان که مصادف با انقلاب اکتبر بود، بعنوان یک انقلابی و طیف خود دانستم که برای دفاع از انقلاب عظیم کارگری و سوسیالیستی اکتبر به شوروی بروم.

ابتدا در یک مدرسه خلبانی شرکت جستم و بعد از اتمام دوره خلبانی در دسامبر ۱۹۱۸ مستقیماً به شوروی رفتم. بعد از مدتی به عضویت ارتش سرخ در ادم. در آن زمان بعنوان فرمانده

کنگره تاکید کردید بخشی از طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری، زیر نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی سوسیال دمکراسی قرار دارد و برای تامین وحدت عمل کل طبقه کارگر، باید این نفوذ را در نظر گرفت و در راه تحقق اتحاد عمل هر چه وسیعتر کارگران کمونیست و سوسیال دمکرات کوشید. تنها در بیکار طبقاتی مشترک به اتفاق کمونیستهاست که توهم یک سوسیال دمکرات مبارز و صادق نسبت به سیاستهای ناپیگیر و راست روانه رهبری احزاب سوسیال دمکرات بسود افزایش آگاهی طبقاتی کارگری سائیده می‌شود. کنگره با در نظر گرفتن این امر، در مورد برخی کشورها به نتیجه گیریهای معین دست یافت.

مقوله دیگر مورد توجه کنگره، جبهه خلق بود. کنگره با حرکت از این ارزیابی درست که در برابر ارتجاعی‌ترین محافل سرمایه بزرگ، اکثریت خلق، از جمله طبقه کارگر، دهقانان، زحمتکشان شهری، روشنفکران مترقی و نیز بخشهایی از بورژوازی اشتراک منافع دارند، مبارزه برای اتحاد این نیروها را در دستور کار احزاب کمونیست قرار داد. این مشی که با جمع بندی تجارب بیکار ضد فاشیستی تدوین گردید، بعدها در ایجاد دمکراسی‌های توده‌ای، در اروپا و فرارویی آنها به سوسیالیسم نیز درستی خود را نشان داد. هنوز هم در جنبش کمونیستی جهانی، نتایج کار کنگره هفتم کمینترن به‌مثابه گام مهم و تاریخی سازی در انطباق خلق مارکسیسم-لنینیسم بر شرایط زمان، ارزیابی می‌گردد.

بني از اسكادرانه‌های هوایی ارتش سرخ جهت تعقیب و سرکوب بقایای ارتش ضد انقلابی تزار به طرف جمهوریه های آسیایی اعزام شدم. ماموریتهای زیادی هم از قفقاز تا تاجیکستان و باکو انجام دادم.

اما در رابطه با خاطرات آن زمان، وقتی که در تاجیکستان بودم، یک روز کنسول بمن اطلاع داد که در مقر اداره دولتی تاجیکستان سه نفر از شخصیت های مردمی و انقلابی ایران خواستار ملاقات با من هستند. آن آقایان از من درخواست کردند که پیام آنها را که در دفاع از انقلاب اکتبر و دولت شوروی و ابراز انزجار از دولت استعماری انگلیس بوده، به دولت شوروی و کنگره بین‌المللی کمونیستی تقدیم کنم. من با مسرت کامل آن مسئولیت را پذیرفته و پیام آنها را در مسکوبه دولت و کنگره بین‌المللی احزاب کمونیست رساندم.

نتایج کنگره هفتم کمینترن، که شرکت کنندگان در کنگره آن را با خود به همه قاره‌ها بردند، در احزاب کمونیست بطور اساسی مورد بحث قرار گرفته و در خارج از جنبش کمونیستی نیز بازتاب گسترده‌ای یافت. پس از این کنگره، احزاب کمونیست همه نیروی خود را در این راه به کار بستند که جبهه‌های واحد ضد فاشیستی و جبهه‌های خلق و نیز ائتلافهایی از مخالفان جنگ ایجاد کنند. مثلاً در انتخابات آوریل و مه ۱۹۲۶ در فرانسه، بر پایه جبهه واحد کمونیستها و سوسیال دمکراتها، جبهه خلق به پیروزی بزرگی دست یافت و دولت را تشکیل داد. نفوذ و اعتبار احزاب کارگری، به ویژه حزب کمونیست فرانسه، گسترش یافته و تناسب قوا به سود طبقه کارگر تغییر کرد. طبقه کارگر فرانسه و متحدین آن، با مبارزه خود، به شرایط بهتری مانند چهل ساعت کار در هفته، افزایش دستمزد و مرخصی با حقوق، شناسایی حقوق سندیکاها از طریق امضای قراردادها، جمعی در کارخانجات و برخی تسهیلات برای دهقانان دست یافتند. هنگامی که در آستانه جنگ دوم جهانی، بورژوازی بزرگ فرانسه بار دیگر بیورش خود را علیه طبقه کارگر آغاز کرد، دولت جبهه خلق از قدرت کنار زده شد. اما نقش تاریخی آن در جلوگیری از به قدرت رسیدن فاشیسم در فرانسه باقی ماند. جبهه متحد خلق در فرانسه، الهام بخش مبارزه جنبش جهانی کارگری و ستک بنای مقاومت ضد فاشیستی موفقیت آمیز در فرانسه علیه اشغالگران آلمانی در طول جنگ جهانی دوم گردید.

اما فرانسه تنها نمونه نبود. در فوریه ۱۹۲۶، جبهه خلق اسپانیا در انتخابات به پیروزی بزرگی دست یافت. تشکیل دولت جبهه خلق با شرکت حزب کمونیست، همانند تحولات فرانسه صحت مشی استراتژیک و تاکتیکی مصوب کنگره هفتم کمینترن را به اثبات رسانید. جبهه خلق اسپانیا، از آزمون سخت ترین شرایط جنگ انقلابی - ملی سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ نیز سر بلند بیرون آمد.

آنچه علاوه بر اوضاع اروپا در بررسی تاثیر نتایج کنگره هفتم کمینترن اهمیت دارد، نقش آن در چین و آمریکای لاتین است. مثلاً در شیلی، هنگامی که تضاد میان طبقه کارگر و

دور دوم مذاکرات خلع سلاح ژنو به نتیجه مشخصی نرسید

دور دوم مذاکرات شوروی و آمریکا در باره تلاحهای هسته‌ای و فضایی که از سی‌ام ماه در ژنو برپا داشت، روز سه‌شنبه گذشته به پایان رسید. ساس خبرگزاری شوروی طی تفسیری در این باره می‌نویسد همه شواهد حاکی از آن است که "نتایج این دور نیز به تقصیر طرف آمریکایی، رضایت بخش نیست."

در تفسیر تاس آمده است که اتحاد شوروی با عزم راسخ به ژنو رفت تا مذاکرات مشخصی با هدف قطع مسابقه تسلیحاتی بر روی زمین و جلوگیری گسترش آن به فضا انجام دهد. اتحاد شوروی برای سهیل جستجوی راه‌حل‌های مورد قبول طرفین، پیشنهاد کرد در طول انجام مذاکرات، تولید آزمایش و استقرار سلاحهای تهاجمی فضایی، سلاحهای تهاجمی استراتژیک و سلاحهای میان برد هسته‌ای متوقف گردد، و در عین حال بطور یکجانبه تا نوامبر، استقرار سلاحهای میان برد خود در اروپا را متوقف کرده تاکید نمود همه پیشنهادهایی که تا کنون از جانب شوروی برای محدود کردن سلاحها و جلوگیری از نظامی کردن فضا ارائه شد، به قوت خود باقی است. اما در مقابل، دولت آمریکا در طول تمام این مدت به تلاشهای سرخشانه خود برای تشدید مسابقه تسلیحاتی در همه عرصه‌ها از موشکهای بالستیک قاره پیمای ام-ایکس گرفته تا سلاحهای وگانه شیمیایی- ادامه داده است.

تاس می‌افزاید: "تفاوت نحوه برخورد آنچنان بارز است که واشنگتن در تلاش برای پرشاندن ماهیت منفی سیاست خود و آرام کردن افکار عمومی جهان که از وضعیت غیرعادی مذاکرات ژنونگتران است، به تحریف هر چه بیشتر واقعیات دست می‌زند." خبرگزاری شوروی در خاتمه می‌نویسد: دور بعدی مذاکرات ۱۹ سپتامبر آغاز خواهد شد. دو ماه بعد، در روزهای ۱۹ و ۲۰ نوامبر، باز هم در ژنو دیدار رهبران عالی شوروی و آمریکا انجام خواهد گرفت که بی‌شک در آن مسئله سلاحهای هسته‌ای و فضایی جای ویژه‌ای به خود اختصاص خواهد داد. ناظران سیاسی می‌پرسند آیا طرف آمریکایی قصد دارد که در مدت باقیمانده، تصحیحات ضروری در مواضع خود راکه رهکشان پیشرفت باشد، انجام دهد یا نه.

دانیل اورتگا: بخش اعظم ضدانقلابیون از نیکار اگوئه رانده شده‌اند

دانیل اورتگا رئیس جمهور نیکار اگوئه طی سخنانی در رادیو تلویزیون این کشور اعلام کرد ارتش مردمی ساندینیست موفق شده است بخش اعظم نیروهای باندهای ضد انقلابی را از خاک نیکار اگوئه بیرون براند. وی گفت اغلب ضد انقلابیون ناچار شده‌اند به هند و راس و کستاریکا عقب نشینی کنند و در نواحی مرزی نیکار اگوئه، تنها بشکل گروه‌های پراکنده ضد انقلابی عمل می‌کنند.

اورتگا همچنین اظهار داشت دفاع مسلحانه از دستاوردهای انقلاب ساندینیستی با وجود این

موفقیتها، در آینده نیز مهمترین وظیفه مردم نیکار اگوئه خواهد بود. وی افزود در عین حال دولت نیکار اگوئه فعالیتهای دیپلماتیک خود را به منظور حل سیاسی مسائل آمریکای مرکزی ادامه خواهد داد.

یک سازمان حقوق بشر در آمریکا بنام "آمریکن واج" باندهای ضد انقلابی نیکار اگوئه را به علت ارتکاب جنایات بزرگ علیه مردم غیر نظامی این کشور محکوم کرد. در گزارش این سازمان خاطر نشان گردیده است که ضد انقلابیونی که در آمریکا از آنان بعنوان "آزادپخواه" نام می‌برند، مسئول مرگ شمار زیادی از غیر نظامیان در نیکار اگوئه هستند. این باندها معمولاً قربانیان خود را شکنجه داده و سپس به قتل می‌رسانند. در ادامه این گزارش آمده است دولت آمریکا وضعیت حقوق بشر در نیکار اگوئه را به منظور توجیه تلاش برای سرنگونی دولت این کشور، وارونه جلوه می‌دهد.

سخنان حافظ اسد درباره افغانستان

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه طی یک سخنرانی در دمشق اظهار داشت سوریه "راه تسلیم" را در حل مسئله خاور نزدیک رد کرده و همچنان مصمم است در برابر نقشه‌های تجاوزکارانه و برتری طلبانه آمریکا و اسرائیل در منطقه با پیوستری مقاومت نماید. حافظ اسد در همین سخنرانی به اوضاع پیرامون افغانستان اشاره کرده و از انقلاب ثورومامیت مردمی آن دفاع نمود. اسد گفت این انقلاب انجام گرفت تا خلق افغانستان را از عقب ماندگی، فقر و فلاکت چندین صد ساله نجات دهد. رئیس جمهوری سوریه تلاشهای ارتجاع برای مطرح کردن "مسئله‌ای بنام اسلام" در افغانستان را محکوم کرده و گفت نیروهای ارتجاعی می‌خواهند از مسئله آوارگان افغانی برای سرنگونی رژیم ترقیخواه افغانستان که در برابر توطئه‌های آمریکا ایستاده است، سوء استفاده کنند. اسد افزود حل این مسئله تا به حال به علت فعالیت‌های نیرومایی که اهداف سیاسی خاصی را در خدمت اربابان غربی خود دنبال می‌کنند، میسر نشده است.

انفجار مین در کابل عده‌ای بیگناه را کشت

به گزارش خبرگزاری افغانی باختر، ضد انقلابیون با کار گذاشتن یک مین در یکی از خیابانهای بازار شهر کابل جنایت جدیدی مرتکب شدند. انفجار این مین به کشته و مبروح شدن عده بیگناهی، از جمله تعدادی زن و کودک، انجامید. در این انفجار و انفجار دیگری در کابل، جمعی طی روزهای گذشته ۱۲ نفر جان خود را از دست دادند. همچنین سه سبب دیگر در ریاستخت افغانستان کشف و خنثی گردید.

رادیو کابل گزارش داد نیروهای دولتی افغانستان طی عملیاتی در شمال این کشور نزدیک به صد تن از اشرار ضد انقلابی، را از پای در آورده‌اند.

نقض حقوق بشر در پاکستان

جمعیت بین المللی حقوقدانان طی گزارشی که

در ژنو انتشار داد، نقض گسترده حقوق بشر در پاکستان را محکوم نمود. در این گزارش آمده است که در عرض یک سال گذشته فعالیت دادگاههای نظامی و استفاده از ارتش برای سرکوب اقدامات اعتراضی ایوریسیون، و نیز شکنجه مخالفان سیاسی رژیم نظامی افزایش یافته است.

در ادامه سند مزبور ذکر شده است که ادامه حکومت نظامی در پاکستان، به موارد جدی نقض حقوق بشر انجامیده است. در پنج زندان شهر لاهور به‌طور مرتب زندانیان سیاسی شکنجه می‌شوند. محاکمه فعالین احزاب مخالف توسط مامورین ویژه نظامی انجام می‌گیرد که تنها در عرض چند دقیقه، در باره متهم تصمیم می‌گیرند. یک مورد دیگر نقض خشن قانون در این کشور، ممنوعیت شرکت وکلای مدافع در اینگونه محاکمات نمایشی است.

گزارش جمعیت بین المللی حقوقدانان همچنین خاطر نشان ساخته است که در پاکستان، سرکوب شدید علیه اعضای اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی نیز اعمال می‌گردد، سانسور مطبوعات تشدید گردیده و اقلیت‌های مذهبی مورد تبعیض قرار گرفته‌اند.

رئیس حکومت نظامی سودان: انتخابات سال آینده انجام خواهد گرفت

ژنرال سوارالذهب، رئیس حکومت نظامی سودان، طی مصاحبه‌ای با یک مجله انگلیسی زبان عربستان سعودی اعلام کرد انتخابات این کشور در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ انجام خواهد گرفت. وی گفت بزودی تدارکات برای برگزاری این انتخابات به پایان خواهد رسید. مجلس منتخب، قانون اساسی این کشور را تدوین خواهد کرد.

حسنی مبارک رئیس جمهور مصر یک دیدار کوتاه از سودان به عمل آورد. وی در بازگشت از خارطوم گفت، گفتگوی یکساعته‌اش با ژنرال سوارالذهب رهبر جدید سودان امیدوارکننده بوده است. مبارک افزود مناسبات سودان با سایر کشورها مرکز به ضرر روایت سودان و مصر بهبود نخواهد یافت.

هنوز!

بقیه از صفحه ۵

- هنوز هم تعدادی دوستان نفهم و پیر ریگان هستند که به مقامات عالی دولتی منصوب نشده‌اند.

- هنوز فروتمندان باید مقداری پیردازند.

- هنوز برخی برنامه‌های اجتماعی برای فقرا و بی‌پناهان وجود دارد.

- هنوز آثاری از تأمین اجتماعی و بیمه درمانی وجود دارد.

- هنوز هم زنان آمریکا درباره برابری با مردان مزخرف به هم می‌بافند و حتی برای آن کوشش هم می‌کنند.

- نه همگی، اما بسیاری از گرسنگان در آمریکا هنوز از نعمت یک کاسه آش خیریه برخوردارند.

- بارانهای اسیدی که بر اثر آلودگی بی‌بندوبار جو ایجاد می‌شود، هنوز همه دریاچه‌های آمریکا را مسموم کرده است.

- بسیاری از حملات مسکونی هنوز به محل تخلیه زباله تبدیل نشده است. ●

کلارازتکین: کار و مبارزه، ضربان نبض زندگی است

نام کلارازتکین به عنوان یک مبارز خستگی ناپذیر برای صلح و حقوق زنان در صدر تاریخ مبارزات زنان جهان قرار دارد. کلارا در ۵ ژوئیه ۱۸۵۷ میلادی در ویدراو (آلمان) در یک دهکده فقیر که اهالی آن به جوراب بافی مشغول بودند بدنیا آمد. پس از چندی برای ادامه تحصیلات به شهر آردن رفت. اما او بسیار فراتر رفت. او معلم و سرمشق میلیونها زن عصر خود و نسل آینده ای بود که به او به عنوان یک زن شیار و آزموده، با علایق همه جانبه و خستگی ناپذیر برای حقوق زنان احترام می‌بخشیدند.

کلارا زنی بود، با قلبی گرم و محبت مادرانه که در تمام اوقات، خودش را در پیوند با زنان دیگر احساس می‌کرد و مشکلات و بدبختی‌های آنها را با آغوش باز می‌پذیرفت. او آرزوها و امیدهای زنان را در حرف و در عمل مطرح می‌کرد. کلارازتکین بطور بی‌نظیری توانایی داشت که با زنان در تمام عرصه‌های زندگی صحبت کند، به آنها آگاهی بدهد و آنها را برای اقدام جمعی تشویق کند.

در سال ۱۸۸۰ کلارا مجبور به مهاجرت به فرانسه شد. در آنجا زندگی بخصوص پس از مرگ شوهر، برای کلارا و دو کودکش سخت‌تر شد. اما وی، مصمانه کار و مبارزه را بی‌می‌گرفت. او می‌نویسد: "و این ما هستیم. مایی که به این شدت درد می‌کشیم و داغ عمیق برمی‌داریم. مایی که به همان اندازه هم می‌توانیم شاد باشیم کار و مبارزه با لهای ما را توانا تر و گسترده‌تر می‌سازند و ما را بالاتر و بالاتر می‌برند. کار و مبارزه ضربان نبض زندگی هستند."

در سال ۱۸۸۹ میلادی مرحله مهمی در مبارزات زنان آغاز شد که ابتکار آن نیز بدست "کلارازتکین" بود او به همراه گروهی دیگر از زنان به طور وسیع و در سطح جهانی مسئله کار زنان را مطرح ساخت. کلارا از کار زنان کارگر نه تنها از جنبه کارگری بلکه از نظر یک زن سخن گفت:

"همانگونه که فرد زحمتکش به بردگی سرمایه‌داری درآمده است زن هم بنده مرد است و تا استقلال اقتصادی بدست نیآورد، این بندگی پایان نخواهد یافت و یکنانه راه برای بدست آوردن این استقلال کار است."

او بر این موضوع تکیه می‌کرد که تساوی واقعی در اجتماع امروزی، برای زحمتکشان رو بوا و خیالبافی است و آزادی زنان از مبارزه برای تمام زحمتکشان جدا نیست. در نتیجه فعالیت کلارا و زنان همراه او، تصمیم گرفته شد که نشریه خاصی برای زنان منتشر شود و این نشریه که ابتدا "زن کارگر" نام داشت، بعدها بانام "برابری" انتشار یافت.

کلارازتکین سال‌های سال به تنهایی مجله "برابری" را اداره کرد و با نداشتن امکانات کافی هر بازنده روزیکبار مجله ای با سطح بسیار عالی در اختیار همگان گذاشت. در نشریه "برابری" برای روشن شدن نقش زنان زحمتکش در مبارزات، این جمله‌ها دیده می‌شود: "... زن زحمتکش در خانه و سرکار از کجا این وقت را بدست می‌آورد که بطور منظم به جلسات اتحادیه‌ای برود؟ از کجا نیروی جسمی، روحی، آمادگی و توانایی اخلاقی لازم را به دست می‌آورد تا درباره خود ببیند، تادر نشریات و جلسات، معنای صحیح سندیکار را پژوهش کند؟ آزادی او به مراتب کمتر از مرد زحمتکش و زنان بورژواست."

کلارا در سال ۱۹۲۲ میلادی، با وجود بیماری و کوهلنت سن، به برلین رفت تا در مجلس نمایندگان شرکت کند. ریاست افتخاری این جلسه به عهده وی بود سخنرانی کوبنده کلارا در این جلسه که همزمان با قدرت‌یابی فاشیستها بود ارزشی تاریخی یافت. زنان، دختران و سازمانهای زنان با تمام مشکلاتشان، با ایمان و اعتقاد برای گرفتن رهنمود و کمک به کلارا روی می‌آوردند. جوابهای او مبنای فعالیت آنها بود. او به زنان آموزش می‌داد که راز بوجود آمدن جنگها را بشناسند، عاملین تدارک جنگ و مبلغین آن را بشناسند و در جبهه کسانی قرار گیرند که مبارزه در راه برقراری صلح پایدار، در برابر میلیتاریسم و جنگ را بر روی پرچم خود نوشته باشند.

تمام زندگی کلارازتکین که در ۲۰ ژوئن ۱۹۲۲ پایان یافت برای مبارزه در راه صلح و حقوق زنان نثار شد. کلارا و همزمانش توانستند نهضتی را سازمان دهند که تا آن زمان وجود نداشت و امروز با ایت تمام میلیونها زن را از چهار گوشه جهان در صفوف خود جای داده است. آنها نیز راه کلارا را برای کسب برابری حقوق پیشرفت و صلح ادامه می‌دهند.

شهیدی است این بر شهیدان دیگر!



بار دیگر رسوایی رژیم شکنجه‌گر و ددمنش خمینی، سندی تازه یافت و پرده از جنایت هولناک دیگری فرو افتاد. رفیق حسن قزلبچی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران در زیر شکنجه دژخیمان جمهوری اسلامی به شهادت رسید. رفیق حسن قزلبچی از کمونیستهای برجسته و پیر سابقه و از پیشروان جنبش انقلابی خلق کرد بود. رفیق قزلبچی در یورش گسترده رژیم به حزب توده ایران به چنگ نیروهای امنیتی رژیم افتاد. رفیق قزلبچی برای مدتی طولانی تحت شکنجه و فشار مستمر قرار داشت. اینک خیر شهادت وی تاسف عمیقی را در میان فعالین جنبش کمونیستی ایران برانگیخته است.

در رابطه با شهادت رفیق حسن قزلبچی، هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران اطلاعیه‌ای صادر نمود. در این اطلاعیه آمده است:

"رفیق حسن قزلبچی در سال ۱۲۹۴ متولد شد و از آغاز جوانی، در دوران مبارزه خلقها علیه فاشیسم و استبداد رضاخانی فعالیت انقلابی خود را آغاز کرد. وی که با مسائل ایران و بویژه مسائل خلقی کرد آشنایی کامل داشت وستی را که در حق مردم محروم کردستان اعمال می‌شد با گوشت و پوست خود احساس می‌کرد، پس از سقوط رضاخان، بر اساس ضرورت تاریخی مبارزه با فاشیسم، با گروهی از معترانش از جمله قاضی محمد، یک هسته مبارزاتی تشکیل دادند و چندی بعد همین گروه حزب دمکرات کردستان ایران را بنیاد نهاد. رفیق قزلبچی که از موسسین و رهبران حزب دمکرات کردستان بود، پس از سقوط حکومت ملی، ناگزیر به مهاجرت به کردستان عراق شد. در آنجا با کمک برخی از همزمانش دیتربار به تجدید سازمان حزب دمکرات کردستان و انتشار نشریه "ریکا" پرداخت. وی در دوران اقامت خود در عراق دائما تحت بیگنری رژیم ارتجاعی حاکم بر این کشور بود و برای ادامه حیات به سخت‌ترین کارها از قبیل کار در چاپخانه مخفی، کشت توتون، عملی، واکس زدن، کار در رستوران و عکاسی

تن در داد و در حالی که بطور دائمی خطر دستگیری او را تهدید میکرد یک لحظه از ادامه کار انقلابی خود باز نماند. رفیق قزلبچی یک بار در زمان حکومت نوری سعید و ملک فیصل در جریان همکاری با نیروهای انقلابی عراق دستگیر شد و مدتی را در شرایط سخت زندان سپری کرد. پس از آزادی از زندان و انقلاب ۱۹۵۸ عراق و آشنایی بیشتر با جهان بیینی دوران ساز مارکسیسم - لنینیسم سرانجام به حزب توده ایران پیوست. رفیق قزلبچی از اواخر دهه ۲۰ به عنوان عضو هیئت تحریریه رادیو پیک ایران برگزیده شد و اداره برنامه‌های رادیو را به عهده داشت. پس از پیروزی انقلاب نیز مسئولیت انتشار "نامه مردم" به زبان کردی با وی بود. رو بهمرفته رفیق قزلبچی نزدیک به ۲۵ سال از زندگی خود را در شرایط سخت مهاجرت و بیگنری رژیم ستمشاهی گذرانید و تا آنجا که در توان داشت با درک آرمانهای مردمی حزب توده ایران و وفاداری به انترناسیونالیسم پرولتاری بطور مستمر و پیگیر به مبارزه خود ادامه داد.

این شخصیت برجسته انقلابی، همچنین یکی از بزرگترین ادیبان و نویسندگان خلق کرد بود. داستانهای طنز آمیز و مقالات ادبی، سیاسی و تحقیقی وی زینت بخش اکثر روزنامه‌های انقلابی کرد زبان در ایران و عراق بود. همچنین رفیق قزلبچی با چند زبان زنده دنیا آشنایی کامل داشت. مطالعه ادبیات دیگر خلقها در بارور تر شدن خلاقیت ادبی و هنری او بسیار موثر بود.

AKSARIYAT
NO.56
MONDAY JULY 22.85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید!